

فصل اول: اقتصاد چیست؟

چرا علم اقتصاد را می‌آموزیم؟

نیازها، هراسانی برای ادامه زندگی باید نیازهای گوناگون خود را برآورده کند.



انسان جانشین خدا روی زمین است ← پس اهداف، برنامه‌ها و مأموریت‌هایی دارد. مانند: «آبادانی زمین، رفع نیازهای خود و خانواده و هموعانش.»
 منبع رفع نیازها ← منابع و امکانات خدادادی است.
 نقش اقتصاد در رفع نیازها ← کمک به استفاده بهینه از منابع و امکانات و بهترین انتخاب‌ها
 محرک فعالیت و تلاش انسان ← نیازها هستند.
 بعد از رفع هر نیاز ← احساس رضایت ایجاد می‌شود.
 بعد از رفع یک نیاز ← احساس بی‌نیازی حاصل نمی‌شود بلکه ← نیازهای جدیدی ایجاد می‌شود پس ← انسان موجودی «کمال‌جو» است.
 نیازهای انسان دارای مراتبی است.

طبیعتاً اولین مرتبه از نیازهای انسان، نیازهای مادی است. مانند: «غذا، آب سالم، سرپناه، پوشاک» ← اما نیازهای انسان به نیازهای مادی محدود نمی‌شود بلکه نیازهای دیگری هم هستند که انسان بدون برطرف کردن آن‌ها به کمال نخواهد رسید؛ مثل: نیازهای عاطفی، روحی، نیاز به علم، هنر، فرهنگ و ...



برای رسیدن به خودشکوفایی و کمال ← علاوه بر نیازهای مادی باید سایر نیازها از جمله نیازهای عاطفی، روحی، علم‌آموزی، هنر و فرهنگ، دین و اخلاق، تعامل با دیگران و ... نیز مرتفع شود.

رفع پاره‌ای از نیازها ← عدم احساس بی‌نیازی ← شکل‌گیری نیازهای جدید ← کمال‌جویی

کافه نکته

- توقف در نیازهای مادی (یا حیوانی)، کمال‌جویی را به نوعی **سیری ناپذیری** تبدیل می‌کند. مانند رفع تشنگی با آب دریا که موجب عطش بیش‌تری می‌شود.
- توقف در یک مرحله از نیازها باعث ← خلق نیازهای کاذب و دروغین شده ← موجب ← کمال‌گرایی منفی ← و در نتیجه ← موجب توقف، انحطاط و نابودی انسان می‌شود.

کافه نکته

۱ تولیدکنندگان با فعالیت‌های خود، ارزش افزوده ایجاد می‌کنند، یعنی در محصولاتی که از قبل تولید شده‌اند یا در مواد اولیه و منابع و امکانات طبیعی، تغییراتی ایجاد کرده و باعث افزایش ارزش آن‌ها می‌شوند.

۲ ایجاد ارزش افزوده در محصولات نیز در گروه فعالیت‌های تولیدی و به‌عنوان تولید معرفی می‌شود.

۳ در واقع در تمام مراحل تولید یک کالا، تولیدکننده در حال ایجاد ارزش افزوده می‌باشد.

برداشت محصول آماده طبیعت بدون این‌که کاری روی آن انجام شود را **حیازت** می‌نامند که موجب مالکیت فرد در محصول برداشت شده می‌شود. مثل بهره‌برداری از علف مراتع، چوب جنگل‌ها، معادن و یا صید ماهی دریاها.

کافه نکته

۱ حیازت از انواع تولید محسوب نمی‌شود، زیرا هیچ ارزش افزوده‌ای ایجاد نشده و محصول برداشت شده بدون تغییر از محیط به‌دست آمده است.

۲ بدون حیازت، اولین تولید انسان در گذشته امکان‌پذیر نبوده است.

انواع تولید

نوع اول تولید «احیا»: کار و تلاش انسان روی منابع و امکانات طبیعی در دسترس (مواد و منابع به‌دست آمده از حیازت) و با استفاده از ابزارآلات، که موجب تولید محصول می‌شود. مثل: زراعت، باغبانی، پرورش ماهی و گیاهان
کلمه «احیا» به معنی «زنده کردن» است.

نوع دوم تولید «صنعت»: با ترکیب و تبدیل مواد حیازت شده و یا محصولات به‌دست آمده از احیا و ایجاد ارزش مصرفی یا مبادلاتی (و همچنین ایجاد ارزش افزوده) در آن‌ها محصول صنعتی به‌دست می‌آید. مثل: صنعت مواد غذایی، صنعت تولید پوشاک، صنعت پتروشیمی و ... در واقع در این نوع از تولید ماهیت منابع یا محصولات به‌دست آمده از احیا تغییر کرده و محصول جدیدی به‌دست می‌آید.

نوع سوم تولید «محصولات نرم یا خدمات»: در این نوع از تولید، محصول تولید شده محسوس و ملموس نیست (قابل لمس و قابل مشاهده نیست) اما می‌تواند برخی نیازهای انسان را مرتفع کند و دارای ارزش اقتصادی است.

مثال فردی با برداشت گیاهان دارویی وحشی و استفاده از بذران‌ها توانسته به پرورش این گیاهان در باغچه منزل خود اقدام کند و سپس از ترکیب عصاره این گیاهان، داروهای درمانی تولید و به مصرف‌کنندگان بفروشد و بیماری‌های مختلف آن‌ها را درمان کند.

برداشت گیاهان دارویی خودرو ← حیازت

پرورش گیاهان با استفاده از بذران (نوع اول تولید) ← احیا

تولید داروهای درمانی (نوع دوم تولید) ← صنعت

درمان بیماری (نوع سوم تولید) ← محصولات نرم «خدمات»

ارزش افزوده جزو «تولید» محسوب می‌شود.

(فارج ۹۸ - تغییر کلی)

۹۵ هر یک از موارد زیر به ترتیب، با چه عنوانی شناسایی می‌شود؟

الف) انسان محصول آماده طبیعت را مستقیماً برداشت می‌کند، بدون اینکه کاری روی آن انجام دهد، مثل بهره‌برداری از علف مراتع و چوب جنگل‌ها، این اقدام که موجب مالکیت فرد می‌شود، «.....» نام دارد.

ب) انسان با در اختیار داشتن منابع و محصولات طبیعی، همچنین با کار خود و استفاده از ابزار، منابع طبیعی را به تولید می‌رساند، مثل زراعت و پرورش ماهی، به این نوع از تولید، «.....» می‌گویند.

ج) نوعی دیگر از تولید که «.....» نام دارد، از ترکیب و تبدیل مواد آماده به‌دست آمده از طبیعت یا محصولات به‌دست آمده از احیای منابع طبیعی و ایجاد ارزش مصرفی یا مبادلاتی که در آن‌ها به وجود می‌آید، مثل صنایع غذایی و پتروشیمی.

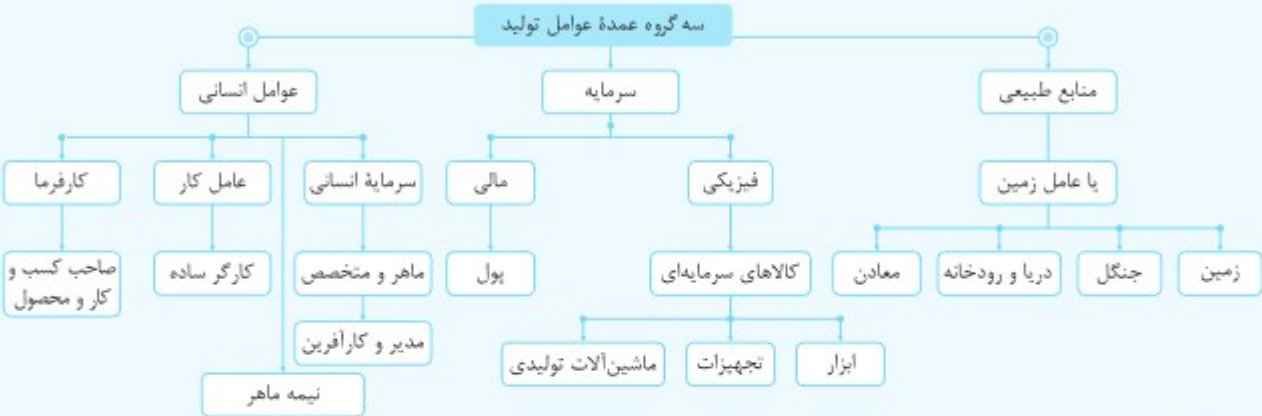
د) نوع سوم تولید، تولید محصولاتی است که محسوس و ملموس نیست و به عبارت امروزی، «.....» به‌شمار می‌رود؛ به این دسته از تولیدات، «.....» می‌گویند.

الف: حیازت ب: احیا ج: صنعت د: محصولات نرم - خدمات

الف: حیازت ب: احیا ج: صنعت د: محصولات کاربردی - کالاهای سرمایه‌ای

الف: احیا ب: حیازت ج: محصولات استراتژیکی د: محصولات راهبردی - خدمات

الف: احیا ب: حیازت ج: محصولات استراتژیکی د: محصولات نرم - کالاهای سرمایه‌ای



منابع طبیعی: منابع و امکانات طبیعی و خدادادی که در جریان تولید کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد. نام دیگر آن «زمین» می‌باشد.

- کشاورزی ← زمین
- صنایع چوبی ← چوب درختان جنگلی
- شیلات ← دریا
- انرژی ← آب پشت سدها
- صنعت ← مواد اولیه معادن

سرمایه

کافه نکته

- عوامل مورد نیاز برای بهره‌برداری از منابع طبیعی
- کار و تلاش انسان
- سرمایه (فیزیکی و مالی)

سرمایه فیزیکی: کالاهای بادوام سرمایه‌ای هستند که در جریان تولید از خدمات آنها استفاده می‌شود.

کافه نکته

- ۱ عامل سرمایه فیزیکی دارای عمر مفیدی بیش از یک سال است.
- ۲ به عامل سرمایه فیزیکی هزینه استهلاک تعلق می‌گیرد. (هزینه استهلاک در فصل چهارم آموزش داده می‌شود.)
- ۳ تولیدکننده با به‌کارگیری عامل سرمایه فیزیکی موجب افزایش ارزش محصولات می‌شود. (ایجاد ارزش افزوده)
- ۴ سرمایه فیزیکی حاصل کار گذشته انسان است که امروزه در فرایند تولید به‌کار گرفته می‌شود یعنی انسان در گذشته ابزارآلات و تجهیزات را ساخته و امروز از آنها استفاده می‌کند.

سرمایه مالی: تمام مبالغ و وجوهی که صرف خرید، اجاره و یا به‌کارگیری سایر عوامل تولید (مانند نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری، زمین و...) می‌شود را سرمایه مالی می‌نامند.

کافه نکته ۱

سرمایه مالی نقش مستقیم در تولید ندارد.

کافه نکته ۲

نیروی انسانی

فرایند تولید مستلزم کار و تلاش انسان بر روی منابع طبیعی است.

کافه نکته ۱

تا تلاش و کار انسان نباشد، منابع طبیعی به کالا و خدمات تبدیل نمی‌شود.

کافه نکته ۲

نقش نیروی انسانی در فرایند تولید بی‌بدیل و بسیار مهم است زیرا ترکیب و تلفیق سایر عوامل برای تبدیل به محصول بر عهده او است.

- کارفرما (صاحب کسب و کار و محصول)
- نیروی انسانی ماهر (مدیر - کارآفرین - متخصص) (سرمایه انسانی)
- نیروی انسانی نیمه ماهر
- کارگر ساده (عامل کار یا نیروی کار)

کارفرما: صاحب کسب و کار و محصول تولید شده است.

سرمایه انسانی: مدیر، متخصص و کارآفرین که تخصص و تحصیل مرتبط با فرایند تولیدی دارد. (نیروی انسانی متخصص)

کارآفرین: فردی که با خلاقیت خود دست به نوآوری یک فرایند تولیدی جدید می‌زند و تمام ریسک و خطر آن را می‌پذیرد. کارآفرین نامیده می‌شود.



نیروی انسانی نیمه ماهر: که با استفاده از تجربه، به انجام فعالیت‌های مربوط به گروه خود می‌پردازد.

نیروی کار: همان کارگر ساده است که نیاز به تخصص و تحصیلات خاصی ندارد و فقط از او انتظار کار کردن می‌رود (نیروی کار ساده یا عامل کار).

سؤال میزان یا ضریب کارآفرینی چیست؟

خطرپذیری × نوآوری = میزان کارآفرینی

پاسخ در هر فعالیت اقتصادی، نوآوری ضرب در خطرپذیری، ضریب یا میزان کارآفرینی را بیان می‌کند.

کافه نکته علاوه بر سرمایه‌های نام برده شده انواع دیگری از سرمایه نیز وجود دارد؛ مانند:

۱ سرمایه‌های اجتماعی که شامل اخلاق، وفای به عهد، صداقت، احترام به قانون، مسئولیت‌پذیری و تعهد و... می‌باشد.

۲ سرمایه معنوی که شامل ارزش‌ها و پایبندی افراد به آن‌ها می‌باشد که بسیار هم مورد توجه اقتصاددانان است.

(رافل ۹۸ - با تغییر)

۱۱۲ همه عبارت‌ها بیانگر مفهوم کالای سرمایه‌ای است، به جز:

(۱) در فرایند تولید، خدمات آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(۲) با تبدیل به عوامل تولید به فرایند تولید کمک می‌کند.

(۳) در طول زمان بادوام هستند و تولیدکننده با آن‌ها ارزش افزوده ایجاد می‌کند.

(۴) شامل ابزار تولید و تجهیزاتی است که به وسیله بنگاه‌های تولیدی به‌کار گرفته می‌شود.

۱۱۳ عوامل مولد انسانی عبارت‌اند از: صاحب کسب و کار و محصول یا و کارگر ساده یا ، از طرفی ابزار تولید یا به عنوان یکی دیگر

(قراچ ۹۸ - با تغییر)

از عوامل تولید در واقع حاصل کار گذشته انسان‌ها می‌باشد.

(۱) مدیر - نیروی کار - سرمایه مالی

(۲) کارفرما - نیروی کار - سرمایه فیزیکی

(۳) کارآفرین - نیروی کار کم تخصص - منابع طبیعی

(۴) متخصص - نیروی کار کم تخصص - منابع مادی

۱۱۴ چند مورد از جملات زیر درست است؟

الف) تولیدکنندگان محصولات مختلف به نهاده‌های تولید یکسانی نیاز دارند.

ب) به ورودی‌های مختلف هر فعالیت تولیدی، عوامل تولید می‌گویند.

ج) عوامل تولید، ورودی فعالیت تولیدی و نهاده‌های تولید، خروجی آن محسوب می‌شوند.

د) نیروی انسانی ساده به عنوان سرمایه انسانی، در تولید، نقش مهمی دارد.

ه) عامل زمین در گروه منابع طبیعی قرار گرفته و شامل جنگل‌ها و معادن نیز می‌شود.

(۱) پنج (۲) هیچ‌کدام (۳) دو (۴) سه

۱۱۵ برای صید ماهی، از دریاها استفاده می‌شود که جزو یا اصطلاحاً محسوب می‌شود.

(۱) امکانات خدادادی - عامل کار

(۲) منابع طبیعی - عامل سرمایه

(۳) منابع طبیعی - عامل زمین

(۴) امکانات خدادادی - سرمایه فیزیکی

۱۱۶ مواد خامی که در فعالیت‌های صنعتی به‌کار گرفته می‌شود از کجا تهیه می‌شود و جزو کدام یک از عوامل تولیدی است؟

(۱) بازار - عامل سرمایه (۲) معادن - عامل زمین (۳) ثروت‌های زیرزمینی - عامل کار (۴) منابع طبیعی - عامل تولید

۱۱۷ انسان برای بهره‌برداری از منابع طبیعی علاوه بر کار و تلاش خود به چه عامل دیگری نیاز دارد؟

(۱) نیروی انسانی (۲) عامل زمین (۳) سرمایه اجتماعی (۴) عامل سرمایه

۱۱۸ در رابطه با سرمایه فیزیکی کدام گزینه نادرست است؟

(۱) حاصل کار گذشته انسان‌ها است.

(۲) با تبدیل به سایر عوامل به طور غیرمستقیم در تولید نقش ایفا می‌کند.

(۳) کالاهای بادوام سرمایه‌ای که در جریان تولید به‌کار گرفته می‌شود.

(۴) از خدمات آنها در طول زمان و در جریان تولید، استفاده می‌شود.

۱۱۹ در رابطه با سرمایه مالی می‌توان گفت:

(۱) صرف خرید یا اجاره سایر عوامل می‌شود و با تبدیل به سایر عوامل به طور غیرمستقیم به تولید کمک می‌کند.

(۲) صرف خرید یا اجاره سرمایه فیزیکی می‌شود و مهم‌ترین نقش را در تبدیل سایر عوامل به هم ایفا می‌کند.

(۳) صرف راه‌اندازی فرایند تولید می‌شود و نقش بی‌بدیلی در ترکیب سایر عوامل تولید به عهده دارد.

(۴) صرف راه‌اندازی خط تولید و تداوم و توسعه آن می‌شود و با تبدیل به سرمایه فیزیکی به تکذیب اهمیت نقش نیروی انسانی می‌پردازد.



۲۱۰ هرگاه به دلیل کمبود «یعنی فزونی تقاضا بر عرضه» قیمت به سمت قیمت تعادلی پیش برود، قیمت در بازار در چه وضعیتی است؟ (داخل ۱۵)

- (۱) در حال افزایش است.
- (۲) در حال کاهش است.
- (۳) در وضع ثبات است.
- (۴) وضع بازار در حالت «تورم رکودی» است.

۲۱۱ کدام مورد بیانگر قیمت تعادلی و مقدار تعادلی است؟ (داخل ۸۴)

- (۱) قیمت ۱۵۰ - مقدار تقاضا ۶۰ - مقدار عرضه ۱۵۰
- (۲) قیمت ۶۰ - مقدار تقاضا ۵۰ - مقدار عرضه ۶۰
- (۳) قیمت ۲۵۰ - مقدار تقاضا ۲۵۰ - مقدار عرضه ۳۰۰
- (۴) قیمت ۱۰۰ - مقدار تقاضا ۳۰۰ - مقدار عرضه ۳۰۰

۲۱۲ در کدام شرایط اتفاق زیر رخ می‌دهد؟ (بخش ۹۴)

«افزایش قیمت تا سطحی ادامه می‌یابد که در آن فاصله میان «عرضه و تقاضا» از بین برود و تعادل در بازار حفظ شود. این سطح قیمت همان قیمت تعادلی است.»

- (۱) هنگامی که در بازار قیمت از سطح قیمت تعادلی بالاتر برود و مازاد عرضه به وجود آید.
- (۲) هنگامی که در بازار کمبود اتفاق می‌افتد و قیمت از سطح قیمت تعادلی پایین‌تر باشد.
- (۳) زمانی که گروهی از تولیدکنندگان موفق نشوند کالایشان را بفروشند و حاضر شوند آن را با قیمتی پایین‌تر به فروش برسانند.
- (۴) زمانی که از یک سو مصرف‌کنندگان در حال افزایش مقدار خرید خود و از سوی دیگر تولیدکنندگان در حال کاهش میزان تولید باشند.

۲۱۳ اگر تولیدکنندگان بیش از مقدار خرید مصرف‌کنندگان، کالا تولید کنند و اگر مصرف‌کنندگان بیش از تولید تولیدکنندگان، کالا بخواهند، دچار مشکل خواهند شد، پس این دو گروه باید هماهنگ باشد، عاملی که این هماهنگی و تعادل را ایجاد می‌کند است. (بخش ۹۳)

- (۱) رفتار اقتصادی - قیمت کالا
- (۲) تصمیم اقتصادی - کمیّت کالا
- (۳) اندیشه اقتصادی - کیفیت کالا
- (۴) اندیشه اقتصادی - تعادلی بودن قیمت کالا

۲۱۴ هرگاه در بازار، قیمت در سطح قیمت تعادلی نباشد: (بخش ۹۳)

- (۱) عواملی آن را به سطح قیمت تعادلی می‌کشاند.
- (۲) دلیلی بر ناهماهنگی و عدم تعادل بین مصرف‌کننده و تولیدکننده است.
- (۳) دلیل عمده اش کمبود، یعنی فزونی تقاضا بر عرضه است.
- (۴) دلیل اصلی و مهم آن مازاد، یعنی فزونی عرضه بر تقاضا است.

۲۱۵ با توجه به جدول روبه‌رو به سوالات پاسخ دهید:

الف) در قیمت تعادلی، دریافتی تولیدکننده چه میزان است؟

ب) در قیمت ۲۰۰۰، درآمد تولیدکننده چه میزان است؟

ج) در بالاترین قیمت، مردم چه مبلغی برای خرید کالا می‌پردازند؟

د) در قیمت ۳۲۰۰ میزان مازاد عرضه یا کمبود عرضه نسبت به تقاضا چه قدر است؟

ه) در قیمت ۵۱۰۰ میزان مازاد یا کمبود عرضه نسبت به تعادل چه قدر است؟

عرضه	قیمت	تقاضا
۱۵	۲۰۰۰	۷۰
۳۰	۳۲۰۰	۵۷
۵۰	۴۰۰۰	۵۰
۶۲	۵۱۰۰	۲۶
۸۰	۶۰۰۰	۱۲

(۱) الف: ۲۰۰,۰۰۰؛ ب: ۱۴۰,۰۰۰؛ ج: ۴۸۰,۰۰۰؛ د: ۲۷ واحد مازاد عرضه؛ ه: ۳۶ واحد مازاد عرضه

(۲) الف: ۵۰؛ ب: ۱۴۰,۰۰۰؛ ج: ۷۲,۰۰۰؛ د: ۲۷ واحد کمبود تقاضا؛ ه: ۲۴ واحد کمبود تقاضا نسبت به عرضه

(۳) الف: ۲۰۰,۰۰۰؛ ب: ۳۰,۰۰۰؛ ج: ۷۲,۰۰۰؛ د: ۲۷ واحد کمبود عرضه؛ ه: ۱۲ واحد مازاد عرضه نسبت به تعادل

(۴) الف: ۴,۰۰۰؛ ب: ۳۰,۰۰۰؛ ج: ۶,۰۰۰؛ د: ۲۷ واحد مازاد تقاضا؛ ه: ۳۶ واحد کمبود عرضه

۲۱۶ هرگاه در بازار قیمت یک کالای معمولی در حال کاهش باشد، فاصله بین عرضه و تقاضا با این کاهش قیمت، و به حالت نزدیک می‌شود.

- (۱) ثابت می‌شود - تعادل
- (۲) افزایش می‌یابد - فزونی تقاضا بر عرضه
- (۳) کاهش می‌یابد - فزونی عرضه بر تقاضا
- (۴) کاهش می‌یابد - تعادل

۲۱۷ زمانی که تقاضا بر عرضه فزونی بگیرد،

- (۱) قیمت‌ها افزایش می‌یابد و فاصله بین عرضه و تقاضا کاهش می‌یابد.
- (۲) قیمت‌ها افزایش می‌یابد و فاصله بین عرضه و تقاضا افزایش می‌یابد.
- (۳) قیمت‌ها کاهش می‌یابد و فاصله بین عرضه و تقاضا افزایش می‌یابد.
- (۴) قیمت‌ها کاهش می‌یابد و فاصله بین عرضه و تقاضا کاهش می‌یابد.

فصل چهارم: آشنایی با شاخص‌های اقتصادی

چگونه میزان فعالیت‌های اقتصادی را در سطح جامعه اندازه‌گیری کنیم؟

اقتصاددانان برای

- ۱- بررسی وضعیت موجود جامعه
 - ۲- اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی
 - ۳- ارزیابی نتایج سیاست‌های اقتصادی به کار گرفته شده و روند تغییرات
- به آمار و شاخص‌های اقتصادی، یعنی همان سنج‌های اقتصادی نیاز دارند.

کافه نکته دلیل اهمیت سنج‌ها و شاخص‌های اقتصادی چیست؟

هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری آن‌ها موجب اشتباه در تشخیص بیماری‌های اقتصادی و یا ایجاد مانع در روند بهبودی و درمان آن‌ها می‌شود.

- سطوح چهارگانه آمارهای اقتصادی**
- ۱- خرد: شامل خانوار، شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی
 - ۲- شهری
 - ۳- منطقه‌ای
 - ۴- کلان: ملی و بین‌المللی

مسئله‌ی ملی: شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی و در قالب شاخص‌های مختلف اقتصادی می‌پردازد.



کافه نکته برای ارائه تصویری روشن از اقتصاد و مطالعه تغییرات آن و اندازه‌گیری سطح رفاه مردم، به بررسی و اندازه‌گیری اطلاعات و داده‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی می‌توان مراجعه کرد.

سؤال علت اهمیت بسیار زیاد حسابداری ملی و آمارهای اقتصادی چیست؟

پاسخ تصویری روشن از اقتصاد کشور و روند تغییرات ایجاد شده در آن و همچنین سطح رفاه مردم کشور ارائه می‌کند.

کافه نکته گاهی در جنگ اقتصادی با ارائه آمارهای غلط، ذهنیت نادرستی در بین مردم ایجاد می‌کنند و یا حتی موجب اشتباه محاسباتی در بین مسئولان و نخبگان می‌شوند.

بیشتر بدانیم: یکی از ضروریات برنامه‌ریزی و تدوین چشم‌انداز برای آینده، داشتن آمار دقیق و اصولی است. به طوری که ارائه آمار اشتباه نظام برنامه‌ریزی کشور را با مشکل جدی مواجه می‌سازد. ارائه آمار غلط موجب دلسردی و بی‌اعتمادی مردم می‌شود.

(راقل ۹۸ - با تغییر)

۲۲۹ کدام سطح از سطوح چهارگانه آمارهای اقتصادی، خرد محسوب می‌شود؟

- (۱) روستایی، شهری و منطقه‌ای
 (۲) شهری، منطقه‌ای و کلان
 (۳) خانوار یا بنگاه‌های تولیدی و خدماتی
 (۴) خانوار، شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی

۲۳۰ شاخه‌ای از است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. مثلاً میزان تولید کالاها و خدمات را در جامعه بررسی می‌کند.

(شرح ۹۳)

- (۱) حسابداری ملی - مطالعات اقتصادی
 (۲) مالیه عمومی - علوم اجتماعی
 (۳) بودجه عمومی - علم مدیریت
 (۴) درآمد ملی - علم اقتصاد

۲۳۱ کدام گزینه جزو دلایل به‌کارگیری سنج‌های اقتصادی توسط اقتصاددانان نیست؟

- (۱) بررسی نتایج سیاست‌های اقتصادی به‌کار گرفته شده
 (۲) عدم وجود شاخص‌های اقتصادی معتبر
 (۳) بررسی وضعیت موجود در جامعه
 (۴) اندازه‌گیری سطح فعالیت‌های اقتصادی

۲۶۰. مندرجات جدول زیر مربوط به اطلاعات استخراجی از حساب‌های ملی کشوری فرضی است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم تولید خارجیان مقیم

(قرج ۹۸)

۱	تولید ناخالص ملی	۶۵۵ هزار میلیارد تومان
۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ هزار میلیارد تومان
۳	تولید ناخالص داخلی	۶۵۰ هزار میلیارد تومان

کشور، کدام است؟

- ۱) ۳۰
 ۲) ۳۵
 ۳) ۴۰
 ۴) ۴۵

۲۶۱. تقسیم‌بندی شاخص‌های اندازه‌گیری تولید کل براساس اهمیت محدوده مکانی چگونه است و در این رابطه، کدام گزینه درست است؟

- ۱) دو دسته داخلی و ملی - محاسبه ارزش کالاها و خدماتی که توسط افراد کشور و خارجیان مقیم کشور در داخل مرزهای جغرافیایی تولید شده را تولید داخلی و محاسبه ارزش تولید کالاها و خدماتی که توسط افراد یک ملت چه در داخل کشور خود و یا در کشوری که مقیم آن هستند را تولید ملی می‌نامند.
 ۲) سه دسته داخلی، ملی و بین‌المللی - محاسبه ارزش خدمات و کالاها تولیدی در سراسر جهان را که توسط مردم یک کشور صورت گرفته، تولید بین‌المللی می‌نامند و محاسبه ارزش کالا و خدماتی را که در داخل کشور توسط افراد همان کشور تولید شده، تولید داخلی می‌نامند.
 ۳) دو دسته داخلی و ملی - محاسبه ارزش خدمات و کالاهایی که توسط افراد یک ملت چه در داخل کشور خود و یا در کشوری که مقیم آن هستند، تولید شده را تولید ملی می‌نامند و محاسبه ارزش خدمات و کالاهایی که در داخل کشور توسط افراد بومی کشور تولید شده را تولید داخلی می‌نامند.
 ۴) سه دسته داخلی، ملی و بین‌المللی - محاسبه ارزش خدمات و کالاهایی که توسط افراد کشور و خارجیان مقیم کشور در داخل مرزهای جغرافیایی تولید شده را تولید داخلی و محاسبه ارزش خدمات و کالاهایی که در سراسر جهان توسط مردم یک کشور تولید شده را تولید بین‌المللی می‌نامند.

۲۶۲. محاسبه ارزش تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال، توسط افراد یک ملت چه در داخل کشور خود و چه در کشوری دیگری که مقیم آن هستند، صورت گرفته را می‌نامند.

- ۱) تولید ناخالص ۲) تولید ملی ۳) تولید خالص ۴) تولید داخلی

۲۶۳. ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور توسط افراد همان کشور و یا خارجیان مقیم کشور تولید می‌شود با عنوان معرفی می‌شود.

- ۱) تولید ناخالص ۲) تولید ملی ۳) تولید داخلی ۴) تولید خالص

۲۶۴. ترازو و معیار واحدی که در حسابداری ملی برای سنجش تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد، کدام است؟

- ۱) وزن ۲) شاخص ملی ۳) شاخص داخلی ۴) پول

۲۶۵. علامت اختصاری تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی به ترتیب کدام است؟ (از راست به چپ)

- ۱) GNP-GDP ۲) GDP-GNP ۳) GND-DNP ۴) DNP-GND

۲۶۶. بالا بودن میزان شاخص‌های تولید داخلی و ملی بیانگر چه واقعیتی است؟

- ۱) قدرت اقتصادی و تولید بیشتر و بهره‌وری بالاتر کشور و استفاده بهینه از همه عوامل تولید
 ۲) قدرت نظامی و سیاسی و سطح بالاتر توسعه یافتگی و بهره‌برداری بیشتر از همه عوامل تولید
 ۳) قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر و سطح توسعه یافتگی بالاتر و استفاده بی‌رویه از همه عوامل و امکانات
 ۴) قدرت نظامی و سیاسی و بهره‌وری بالاتر کشور و استفاده بی‌رویه از همه عوامل و امکانات

۲۶۷. شاخص‌هایی که در برخی موارد برای بیان درجه پیشرفت یک ملت و سطح زندگی افراد آن به کار گرفته می‌شود، کدام‌اند؟

- ۱) تولید خالص و ناخالص بین‌المللی ۲) شاخص‌های پولی و مالی بانک مرکزی
 ۳) درآمدها و هزینه‌های جاری دولت ۴) تولید داخلی و تولید ملی

۲۶۸. در رابطه با شاخص‌های اندازه‌گیری تولید کل کدام گزینه کاملاً درست است؟

- ۱) این دو شاخص نه در تعریف و نه در عمل هیچ شباهتی با هم ندارند و مطلقاً به جای یکدیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.
 ۲) این دو شاخص چه در تعریف و چه در عمل تفاوت چندانی با هم ندارند و غالباً از یکی به جای دیگری استفاده می‌شود.
 ۳) این دو شاخص در تعریف تفاوت چندانی با هم ندارند، اما در اغلب موارد در عمل تفاوت فاحشی با هم دارند.
 ۴) این دو شاخص در تعریف متفاوت، اما در عمل جز در موارد استثناء تفاوت چندانی با هم ندارند.

پاسخنامه تشریحی سؤالات بخش اول



۱. گزینه ۳ احساس رضایت از رفع یک نیاز به معنای کمال جو بودن انسان نمی باشد.
۲. گزینه ۱ رفع پاره ای از نیازهای انسان کمال جو موجب شکل گیری نیازهای جدیدی در او می شود.
۳. گزینه ۳ اولین مرتبه از نیازهای انسان به طور طبیعی، غذا، آب سالم، سرپناه، امنیت و پوشاک است که به عنوان نیازهای مادی و اولیه معرفی می شود.
۴. گزینه ۱ نیازهای عاطفی و معنوی در مراتبی بالاتر از نیازهای اولیه قرار می گیرند.
۵. گزینه ۳ منبع رفع نیازهای انسان، منابع و امکانات موجود و در دسترس می باشد.
۶. گزینه ۱ محرک فعالیت و تلاش انسان نیازهای او می باشد.
۷. گزینه ۲ با رفع پاره ای از نیازها احساس رضایت در فرد ایجاد می شود، اما احساس بی نیازی در او ایجاد نمی شود، بلکه نیازهای جدیدی برای او به وجود می آید.
۸. گزینه ۱ توقف در یک مرتبه از نیازها موجب انحطاط، نابودی و توقف انسان می شود.
۹. گزینه ۳ در صورتی که انسان در یک مرحله از نیازها مثل نیازهای مادی متوقف شود، کمال جویی به نوعی سیری ناپذیری تبدیل می شود (یعنی خلق نیازهای کاذب در همان مرحله).
۱۰. گزینه ۲ در یک تصویر ساده از زندگی انسان با دو مفهوم اساسی نیازها و منابع و امکانات مواجه می شویم.
۱۱. گزینه ۲ از نظر اقتصاددانان «کمیابی» به وضعیتی اطلاق می شود که شامل دو مورد زیر باشد:
- الف) منابع و امکانات در دسترس بشر محدودند.
- ب) حتی اگر مشکل کمبود منابع نباشد، اما انسان در بهره برداری از این منابع با قابلیت های بهره برداری و روش های مختلف بهره برداری دچار محدودیت می شود.
۱۲. گزینه ۴ انسان به عنوان جانشین خدا روی زمین اهداف و برنامه هایی در جهت آبادانی زمین و رفع نیازهای خود و هموعانش دارد که با کار و تلاش بر روی منابع و امکانات در دسترس محقق می شود.
۱۳. گزینه ۲ در رابطه با منابع و امکانات دو نکته وجود دارد:
- ۱- منابع و امکانات در دسترس بشر (انسان)، محدود است.
- ۲- منابع و امکانات محدود، قابلیت مصارف و روش های بهره برداری متعدد و مختلف را دارند.
۱۴. گزینه ۱ منابع و امکانات موجود در جهان، نامحدود هستند، بلکه این منابع و امکانات در دسترس بشر است که محدود هستند.
۱۵. گزینه ۲ انسان به دلیل محدودیت هایش نمی تواند همه آنچه را که می خواهد همزمان داشته باشد، پس باید دست به انتخاب بزند.
۱۶. گزینه ۴ یکی از مهم ترین مسائل زندگی بشر و موضوع اصلی علم اقتصاد، مسئله انتخاب است.

۱۷. گزینه ۳ ملاک بهترین استفاده از منابع و امکانات، کسب بیشترین میزان از منافع و تولید به منظور ایجاد سطح بالاتری از رفاه برای انسان است.
۱۸. گزینه ۲ این تمهیداتی که در این کشور فرضی صورت گرفته بیانگر این است که آن ها توانسته اند بهترین استفاده از منابع و امکانات در دسترس را داشته باشند و به سطح بالاتری از تولید و در نتیجه رفاه دست یابند.
۱۹. گزینه ۲ افراد با عقلانیت محدود، گاهی در تعیین فهرست کامل هزینه ها و ضررها و میزان آن ها دچار خطا می شوند. آن ها منافع را صرفاً در منافع مادی و حیوانی خلاصه می کنند و یا صرفاً نگاهی کوتاه مدت دارند.
۲۰. گزینه ۲ انسان ها براساس آفرینش و فطرت الهی خود در هر انتخابی که انجام می دهند به دنبال بیشترین منافع و کمترین هزینه و ضرر هستند.
۲۱. گزینه ۱ به طور طبیعی در صورتی که در یک انتخاب، هزینه ها بیشتر از منافع باشد، تولیدکننده از آن کار صرف نظر می کند؛ زیرا همه به دنبال منفعت هستند نه زیان.
۲۲. گزینه ۲ این که عملکرد او برخلاف اخلاقیات است، مورد بحث نیست.
- این شخص ممکن است در تشخیص منافع و هزینه ها (که در این جا منافع اجتماعی مدنظر است) دچار اشتباه شده باشد، اما قطعاً در روش انتخاب هزینه - فایده درست عمل کرده است.
۲۳. گزینه ۳ برخی از افراد عقلانیت محدود دارند و منافع کوتاه مدت و صرفاً مادی را به منافع بلندمدت ترجیح می دهند. قطعاً تولیدکننده ای که برای کاهش هزینه های خود از نیروی کار غیرقانونی یا کم تجربه و غیرمتخصص استفاده می کند، با نگاه کوتاه مدت خود به تولید، از منافع بلندمدتی که می توانست نصیب خود و جامعه کند صرف نظر کرده است.
۲۴. گزینه ۲ فروشنده ای که با به کارگیری مواد اولیه ارزان قیمت میزان سود خود را در کوتاه مدت افزایش می دهد، نگاه کوتاه مدت و صرفاً مادی به عملکرد خود دارد و عقلانی رفتار نکرده و به طور یقین با این کار اعتماد مشتری را در آینده از دست خواهد داد.
۲۵. گزینه ۳ کشورهای موفق و توسعه یافته در فرایند تولیدی خود به منافع آینده توجه داشته و عقلانی رفتار کرده اند، یعنی نگاه بلندمدت داشته اند.
۲۶. گزینه ۴ براساس قانون حیات انسانی هر انتخابی که صورت می گیرد مستلزم از دست دادن انتخاب یا انتخاب های دیگری است.
۲۷. گزینه ۱ مفهوم (بده - بستان) در زندگی بشر به این معنی است که در ازای هر انتخابی، انتخاب یا انتخاب های دیگری را از دست می دهیم.
۲۸. گزینه ۳ انسان ها و جوامع، همیشه بهترین و برترین گزینه خود را از نظر منافع، انتخاب می کنند (اگرچه همان طور که گفته شد ممکن است در تشخیص دقیق این منافع و هزینه ها دچار اشتباه شوند).
۲۹. گزینه ۲ افراد برای انجام فعالیت ها، لیستی از انتخاب هایشان را براساس محاسبه منافع حاصل از فروش و مشورت با دیگران و مطالعه خود، از بالا به پایین، مرتب می کنند، یعنی با ارزش ترین انتخاب در صدر لیست و انتخاب های دیگر به ترتیب ارزش در سطرهای بعدی قرار می گیرد.

نکته در این سؤال درآمد تولید از حاصلضرب کالای فروخته شده در قیمت حاصل می‌شود و تعداد کالای تولید شده در درآمد نقشی ندارد. اما در هزینه‌ها حتماً باید هزینه کل کالاهای تولید شده را حساب کنیم.

قیمت هر واحد × تعداد کالای فروخته شده = درآمد تولیدکننده

$$= 3000 \times 1000 = 3,000,000 \text{ دلار}$$

$$\text{دلار} 250,000 \times 100 = 25,000,000 = \text{هزینه‌های مستقیم تولید} 2500 \text{ واحد کالا}$$

$$\text{دلار} 140,000 \times 40 = 5,600,000 = \text{هزینه غیرمستقیم (یا هزینه فرصت)} 2500 \text{ واحد کالا}$$

$$= 25,000,000 + 5,600,000 = \text{مجموع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم}$$

$$= 490,000 \text{ دلار}$$

هزینه‌های مستقیم - درآمد = سود حسابداری

$$= 3,000,000 - 490,000 = 2,660,000 \text{ دلار}$$

(سود اقتصادی) (ویژه) سود مندرج در اظهارنامه مالیاتی

مجموع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم - درآمد =

$$= 3,000,000 - 490,000 = 2,510,000 \text{ دلار}$$

با توجه به مطالب مندرج در کتاب، گزینه (۴) مورد نظر سؤال

$$\text{دلار} 24,000,000 = 400 \times 60,000 = \text{درآمد تولیدکننده}$$

$$= 8,000,000 \text{ هزینه‌های مستقیم}$$

(الف)

هزینه‌های مستقیم - درآمد = سود حسابداری

$$= 24,000,000 - 8,000,000 = 16,000,000 \text{ دلار}$$

(ب) حسابداری

(ج) ویژه (اقتصادی)

سود ویژه - سود حسابداری = هزینه فرصت

$$= 16,000,000 - 4,000,000 = 12,000,000 \text{ دلار}$$

$$\frac{12,000,000}{400} = \text{هزینه فرصت کل} = \text{هزینه فرصت برای هر واحد کالا}$$

$$= 30,000 \text{ دلار}$$

نکته ۱ - سودی که در اظهارنامه وارد نمی‌شود، سود حسابداری است.
۲ - همچنین تفاوت سود حسابداری و سود ویژه، برابر است با هزینه فرصت، یعنی در این مسئله هزینه فرصت برابر ۶۳ میلیون تومان است.

$$\text{تومان} 650,000,000 = 10,000 \times 65,000 = \text{درآمد تولید کننده}$$

$$= 12500 \times \text{تعداد کالا} = \text{مجموع هزینه‌های مستقیم}$$

$$\text{تومان} 125,000,000 = 10,000 \times 12,500$$

هزینه‌های مستقیم - درآمد = سود حسابداری

$$\text{تومان} 525,000,000 = 650,000,000 - 125,000,000$$

$$4000 = \frac{80,000,000}{20,000} = \frac{\text{درآمد حاصل از تولید}}{\text{قیمت هر واحد}} = \text{تعداد محصول فروخته شده}$$

واحد کالا به فروش رسیده است.

قیمت × تعداد کالا = درآمد تولیدکننده

$$\text{تومان} 1,080,000,000 = 1200 \times 900,000$$

+ اجاره کالای سرمایه‌ای سالانه + اجاره کارگاه (سالانه) = هزینه‌های مستقیم

حقوق سالانه نیروی انسانی + هزینه سالانه مواد اولیه

$$= 140,000,000 + 80,000,000 + 250,000,000 = \text{هزینه‌های مستقیم}$$

$$\text{تومان} 590,000,000 = (10,000,000 \times 12 \text{ (ماه)})$$

$$\text{تومان} 58,000,000 = \text{هزینه غیر مستقیم}$$

(الف) هزینه‌های مستقیم - درآمد = سود حسابداری

$$\text{تومان} 490,000,000 = 1,080,000,000 - 590,000,000$$

(ب) مجموع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم - درآمد = سود ویژه

$$= 1,080,000,000 - (590,000,000 + 58,000,000)$$

$$\text{تومان} 432,000,000 = \text{سود ویژه}$$

سود مندرج در اظهارنامه مالیاتی همان سود ویژه (با سود اقتصادی) است.

سود حسابداری وارد اظهارنامه مالیاتی نمی‌شود.

نکته در این سؤال تعداد کالای فروخته شده برای محاسبه درآمد منظور می‌شود.

قیمت × تعداد کالای تولید شده و فروخته شده = درآمد تولیدکننده

$$\text{تومان} 1,100,000,000 = 55,000 \times 20,000$$

نکته چون شخص در کارگاه شخصی خود کار می‌کند، یعنی اجاره

نمی‌پردازد، پس اجاره محل کار در هزینه‌های مستقیم وارد نمی‌شود و

اجاره به‌عنوان هزینه غیرمستقیم منظور می‌شود.

$$\text{تومان} 110,000,000 = \frac{10}{100} \times 1,100,000,000 = \text{هزینه استهلاک}$$

خرید مواد اولیه + هزینه استهلاک + حقوق سالانه = هزینه‌های مستقیم

$$= 214,000,000 + 110,000,000 + 196,000,000 = \text{هزینه‌های مستقیم}$$

$$\text{تومان} 520,000,000 = \text{هزینه‌های مستقیم}$$

اجاره کارگاه = هزینه‌های غیرمستقیم

$$\text{تومان} 180,000,000 = 15,000,000 \times 12 \text{ (ماه)}$$

$$= 520,000,000 + 180,000,000 = \text{جمع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم}$$

$$= 700,000,000 \text{ تومان}$$

(الف) هزینه‌های مستقیم - درآمد = سود حسابداری

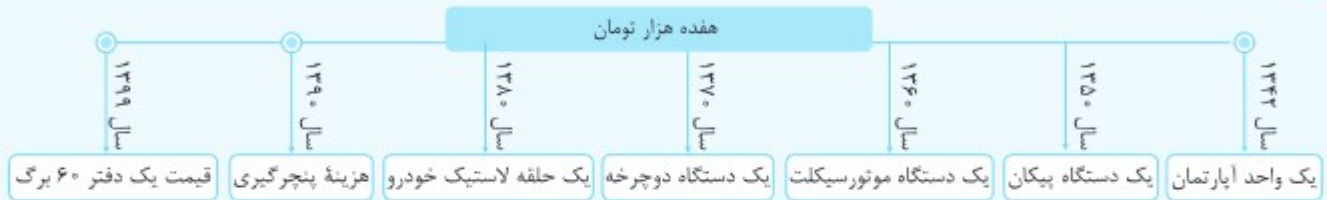
$$\text{تومان} 580,000,000 = 1,100,000,000 - 520,000,000$$

(ب) مجموع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم - درآمد = سود ویژه

$$\text{تومان} 400,000,000 = 1,100,000,000 - 700,000,000$$

قدرت خرید پول

به مثال زیر توجه کنید:



همان طور که می بینید یک واحد معین پول در طول زمان نتوانسته ارزش خود را حفظ کند، در این صورت می گوییم قدرت خریدش را از دست داده است؛ یعنی اگر در سال ۴۲ قدرت خرید، ۱۷ هزار تومان پول، برابر خرید یک واحد آپارتمان بوده است، بعد از گذشت ۵۷ سال همین مقدار پول به اندازه هزینه خرید یک دفتر قدرت دارد.

نکته کافه

- ۱ قدرت خرید پول به سطح عمومی قیمت ها در جامعه بستگی دارد؛ یعنی هر چه سطح عمومی قیمت ها افزایش یابد، «قدرت خرید پول» کاهش می یابد و برعکس، هر چه سطح عمومی قیمت ها کاهش یابد، «قدرت خرید پول» افزایش می یابد.
- ۲ هر چه حجم پول نسبت به تولید جامعه کم تر باشد (یعنی پول در دست مردم کم تر از کالاها و خدمات تولید شده در جامعه باشد) قدرت خرید پول بیشتر می شود و هر چه حجم پول نسبت به تولید بیشتر شود، قدرت خرید پول متناسب با آن کاهش می یابد.

به مثال دقت کنید:

مثال فرض کنید بانک مرکزی پول جدیدی را چاپ و وارد بازار کند، اما متناسب با این پول جدید، کالایی تولید نشده باشد. از آنجایی که پول جدید باعث افزایش درآمد مردم و در نتیجه افزایش تقاضای کل می شود، قیمت کالاها موجود در بازار که قبلاً تولید شده اند با سرعت، افزایش می یابد.

تورم و روند شکل گیری آن

تورم از نظر علم اقتصاد، شتاب یا نرخ رشد افزایش سطح قیمت هاست.

تورم به معنی افزایش سطح عمومی قیمت هاست.

اگر افزایش قیمت ها به صورت بی رویه، پرنوسان و مداوم باشد، با تورم مخرب و بد مواجه هستیم.

تورم به علت فزونی گرفتن تقاضای کل بر عرضه به وجود می آید؛

اگر افزایش پول در جامعه با افزایش تولید هماهنگ نباشد، می تواند سبب تورم شود.

نکته کافه هرگاه حجم پول در دست مردم با میزان تولید کالا و خدمات هماهنگ نباشد، قیمت ها افزایش می یابد؛ یعنی قدرت خرید پول کاهش یافته و ارزش پول نیز کاهش می یابد و این مسئله خود را به صورت تورم نشان می دهد.



نکته کافه اولین پیامد چاپ اسکناس جدید، افزایش درآمد مردم است و نتیجه نهایی آن ایجاد تورم در اقتصاد می باشد.

محاسبه نرخ تورم

برای محاسبه نرخ تورم از فرمول روبه رو استفاده می شود:

شاخص قیمت ها به معنی میانگین قیمت ها می باشد.

$$\text{نرخ تورم} = \frac{\text{سطح (شاخص) قیمت های قدیم} - \text{سطح (شاخص) قیمت های جدید}}{\text{سطح (شاخص) قیمت های قدیم}}$$

سؤال اگر سطح (شاخص) قیمت ها، در ابتدای سال، ۲۵۰۰۰ تومان باشد و در انتهای سال (با وجود تورم مخرب)، سطح (شاخص) قیمت ها به ۳۵۰۰۰ تومان رسیده باشد، نرخ تورم را محاسبه کنید؟

پاسخ

$$\text{نرخ تورم} = \frac{۳۵۰۰۰ - ۲۵۰۰۰}{۲۵۰۰۰} = \frac{۱۰۰۰۰}{۲۵۰۰۰} = \frac{۴۰}{۱۰۰} = ۴۰\%$$

سؤال کاهش نرخ تورم به چه معنی است؟

پاسخ کاهش نرخ تورم به معنی کاهش سطح عمومی قیمت ها نیست، یعنی انتظار ارزان تر شدن کالاها را نداشته باشید، بلکه به این معنی است که شتاب افزایش قیمت ها، کندتر از قبل شده و قیمت ها با شتابی کم تر از قبل همچنان افزایش می یابند.



۴۷ اگر شاخص قیمت‌ها در سه سال فرضی به ترتیب ۴۵,۰۰۰، ۵۴,۰۰۰ و ۶۵,۰۰۰ دلار باشد، در صورتی که نرخ تورم در سال چهارم نسبت به نرخ تورم

در سال سوم و دوم کم‌تر شده باشد، شاخص قیمت‌ها در این سال چه عددی می‌تواند باشد؟

- ۱) ۶۵,۰۰۰ ۲) ۷۱,۰۰۰ ۳) ۵۰,۰۰۰ ۴) ۵۵,۰۰۰

۴۸ اگر شاخص قیمت‌ها در انتهای سال فرضی ۸۷ برابر ۱۹,۷۲۰ تومان و نرخ تورم در این سال برابر ۱۶٪ باشد، سطح عمومی قیمت‌ها (شاخص

قیمت‌ها) در ابتدای سال ۸۷ چقدر بوده است؟

- ۱) ۱۵۶۴۸ ۲) ۲۲۴۴۰ ۳) ۱۶۵۶۴/۸ ۴) ۱۷۰۰۰

۴۹ قیمت گوشت نسبت به ابتدای سال ۱۰٪ افزایش یافته است. اگر در این شرایط ۵ کیلو گوشت به قیمت ۲۴۷,۵۰۰ تومان به فروش برسد، قیمت

گوشت در ابتدای سال برای هر کیلو چقدر بوده است؟

- ۱) ۴۴۵۰۰ ۲) ۴۹۵۰۰ ۳) ۴۵۰۰۰ ۴) ۴۲۵۰۰

۵۰ با توجه به جدول فرضی مقابل که بیانگر وضعیت سطح عمومی قیمت‌ها در دو سال فرضی ۹۳ و ۹۴

می‌باشد، به ترتیب از راست به چپ، نرخ تورم سال‌های ۹۳ و ۹۴ چه می‌باشد؟

- ۱) ۱۵٪ - ۲۰٪ ۲) ۱۳٪ - ۱۶٪

- ۳) ۱۶٪ - ۱۳٪ ۴) ۲۰٪ - ۱۵٪

سال	۹۳	۹۴
ابتدای سال	۴۰,۰۰۰	۴۸,۰۰۰
انتهای سال	۴۸,۰۰۰	۵۵,۲۰۰

۵۱ با توجه به جدول:

الف) نرخ تورم به ترتیب در سال‌های مختلف چقدر است؟ (از راست به چپ)

ب) تغییرات قیمت در سال دوم نسبت به سال قبل بیانگر چه موضوعی است؟

- ۱) الف: سال دوم ۱۵٪ - سال سوم ۸٪ - سال چهارم تقریباً ۱۰٪؛ ب: نرخ تورم کاهش و قیمت‌ها نسبت به قبل کم شده‌اند.

- ۲) الف: سال اول ۱۵٪ - سال دوم ۸٪ - سال سوم تقریباً ۱۰٪؛ ب: نرخ تورم و شتاب افزایش قیمت‌ها کاهش داشته است.

- ۳) الف: سال اول ۱۵٪ - سال دوم ۸٪ - سال سوم تقریباً ۱۰٪ و سال چهارم صفر درصد؛ ب: نرخ تورم و سطح عمومی قیمت‌ها تقریباً کاهش یافته است.

- ۴) الف: سال اول صفر درصد - سال دوم ۱۵٪ - سال سوم ۸٪ و سال چهارم تقریباً ۱۰٪؛ ب: نرخ تورم و شتاب افزایش قیمت‌ها بیشتر شده است.

۵۲ قیمت یک کالا در ابتدای سال ۹۰ برابر ۱۴۰۰ تومان بوده است. اگر نرخ تورم در سال ۹۰ و ۹۱، به ترتیب برابر ۱۵٪ و ۲۱٪ باشد، قیمت این کالا در

ابتدای سال ۹۲ چقدر است؟

- ۱) ۱۷۰۶/۰۳ ۲) ۱۳۶۱/۱۹ ۳) ۱۶۴۷/۰۵ ۴) ۱۹۴۸/۱

۵۳ قدرت خرید پول در مقابل در هر جامعه‌ای سنجیده می‌شود.

- ۱) واحد پول ملی ۲) قدرت فروش کالا و خدمات ۳) سطح عمومی قیمت‌ها ۴) ارزش عمومی پول

۵۴ کدام وضعیت اقتصادی نقش پول را در حفظ ارزش و وسیله پرداخت‌های آتی، مورد شک و تردید قرار می‌دهد؟

- ۱) افزایش نرخ تورم ۲) افزایش نرخ بیکاری
۳) رسیدن به وضعیت ثبات اقتصادی ۴) رشد و توسعه اقتصادی کشور

۵۵ تورم به عنوان یکی از مشکلات اقتصادی جامعه محسوب می‌شود؛ زیرا:

- ۱) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها باعث کاهش سطح تولید و عرضه می‌شود.

- ۲) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها باعث کاهش رفاه عمومی جامعه می‌شود.

- ۳) باعث افزایش نرخ سپرده‌های بانک‌ها و خروج پول از بازار می‌شود.

- ۴) باعث کم شدن فاصله عرضه و تقاضا شده و بازار را از حالت تعادلی خارج می‌کند.

۵۶ شاخص قیمت‌ها در ابتدای سال ۲۰۱۳ میلادی برابر ۲۵۰۰ دلار و شتاب افزایش قیمت‌ها برابر ۲۰٪ در این سال تعیین شده است. در این صورت

شاخص قیمت‌ها در انتهای سال چقدر بوده است؟

- ۱) ۳۰۰۰ دلار ۲) ۲۰۸۳/۳ دلار ۳) ۳۱۲۵ دلار ۴) ۲۲۵۵/۲ دلار



رابطه بین بورس و پیشرفت اقتصادی کشورها

«بورس» محل ارتباط عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان سرمایه است.

دو گروه موجود در بازار سرمایه

تقاضاکنندگان سرمایه

عرضه‌کنندگان سرمایه

- افرادى که پس‌اندازهاى دارند و مایلند از طریق آن‌ها سود مناسبى داشته باشند.
- افرادى که برای ایجاد یا گسترش واحدهای تولیدی و بازرگانی به سرمایه نیازمند هستند.
- بیشتر مردم پس‌اندازهایی دارند که می‌خواهند از آن‌ها در فعالیتی استفاده کنند که درآمد و سود مناسبی داشته باشد.
- افراد عادی به تنهایی شرایط، امکانات، تخصص، توان و سرمایه کافی برای راه‌اندازی فعالیت‌های مناسب و پرسود را ندارند.
- از طرفی صاحبان بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی و تجاری برای تأسیس و یا گسترش واحد تولیدی و فعالیت مربوطه خود، به منابع مالی نیاز دارند.

روش تأمین مالی

امروزه

در گذشته

- عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان سرمایه در بورس از طریق معامله اوراق بهادار مستقیماً با هم در تعامل قرار می‌گیرند. «بازار بورس: شیوه مناسب‌تری که بعد از بانک و در روند تکامل تأمین سرمایه ابداع شد.»
- عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان سرمایه، پس‌اندازها یا پول به ارث رسیده را وارد سرمایه‌گذاری کرده و یا از افراد دارای اعتبار یا بانک‌ها قرض می‌گرفتند.
- سود (بهره) و اصل وام بعد از انجام فعالیت تولیدی و تجاری به بانک پرداخت می‌شد. بانک درصدی از این سود را برای خود برمی‌داشت و عرضه‌کننده سرمایه به این ترتیب سود کم‌تری عایدش می‌شد. از طرفی تقاضاکنندگان سود بیشتری می‌پرداختند.
- به این ترتیب: نقش واسطه‌ای بانک‌ها از بین می‌رود و عرضه‌کنندگان، سود بیشتری می‌برند و تولیدی‌ها (متقاضیان سرمایه) هم هزینه بازپرداخت کم‌تری برای وام می‌پردازند. «مزیت بورس نسبت به بانک‌ها»

پیامد مطلوب تأمین سرمایه از طریق بورس و صدور اوراق بهادار:

- افزایش انگیزه مردم برای سرمایه‌گذاری \leftarrow زیرا \leftarrow در سرمایه و سود شرکت‌ها شریک می‌شوند \leftarrow در نتیجه \leftarrow از این طریق سرمایه‌های اندک مردم جمع‌آوری و در قالب منابع بزرگ، سرمایه شرکت‌های سهامی و منابع مالی موردنیاز طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای (اوراق مشارکت) را تأمین می‌کند.
- این کار مهم از طریق «بازار سرمایه» و نهاد آن یعنی «بورس» انجام می‌گیرد.
- بورس یک نهاد و مرکز مطمئن است که از طریق ایجاد ارتباط بین عرضه‌کنندگان سرمایه و تقاضاکنندگان سرمایه، اقدام به جمع‌آوری و به‌کارگیری سرمایه‌های مالی می‌کند.

(دقت ۸۸)

۱۳۵ افزایش انگیزه مردم برای سرمایه‌گذاری، پیامد مطلوب بوده است.

- (۱) دریافت «وام بانکی» از محل سپرده‌های مردم
- (۲) تأمین «منابع مالی» از طریق اوراق بهادار
- (۳) کسب درآمد از طریق «سرمایه‌گذاری مستقیم» در طرح‌های تولیدی و عمرانی
- (۴) پرداخت بهره و اصل وام دریافتی به بانک پس از انجام فعالیت‌های تجاری یا تولیدی

(دقت ۸۷)

۱۳۶ اوراقی که برای «تأمین منابع مالی» صادر می‌شود، چیست؟

- (۱) اوراق قرضه
- (۲) اوراق سهام
- (۳) اوراق بهادار
- (۴) اوراق اعتباری

(دقت ۹۳)

۱۳۷ در این حالت مردم در شرکت‌ها سهام می‌شوند. با استفاده از این روش سرمایه‌های اندک مردم جمع‌آوری می‌شود و در قالب منابع قابل توجه، سرمایه را تأمین می‌کند و این کار مهم از طریق انجام می‌شود.

- (۱) اداره امور - شرکت‌های تعاونی - بانک سرمایه
- (۲) نصف سرمایه - شرکت‌های نسبی - بورس کالا
- (۳) سود و زیان - شرکت‌های تضامنی - بورس اوراق بهادار
- (۴) سرمایه و سود - شرکت‌های سهامی - بورس



۳۵ گزینه ۲ الف) چون یک واحد پول نتوانسته در طول زمان ارزش خود را حفظ کند.

ب) پول در مقابل سطح عمومی قیمت‌ها ارزش خود را حفظ نمی‌کند.

ج) قدرت خرید پول در هر جامعه وابسته به سطح عمومی قیمت‌ها است.

د) قدرت خرید پول با سطح عمومی قیمت‌ها رابطه عکس دارد، یعنی هر چه سطح عمومی قیمت‌ها بالاتر رود، قدرت خرید پول کاهش می‌یابد و بالعکس.

ه) یکی از دلایل مهم کاهش قدرت خرید پول در جامعه حجم زیاد پول نسبت به تولید جامعه است.

و) در اثر کاهش قدرت خرید پول در جامعه تورم به وجود می‌آید.

۳۶ گزینه ۱ به پاسخ سؤال قبل مراجعه شود.

۳۷ گزینه ۲ هر چه سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد، قدرت خرید پول افزایش می‌یابد و این نکته بیانگر وضعیت رکودی در بازار می‌باشد.

۳۸ گزینه ۱ وقتی که قدرت خرید پول در طول زمان تغییر کند، یک واحد پول قادر نیست در طول زمان یک نیاز معین را برطرف کند. مثلاً در گذشته هزینه خرید خودرو پرشیا ۲۵ میلیون بوده، اما در حال حاضر به ۸۸ میلیون رسیده است؛ یعنی قدرت خرید پول کاهش یافته است و با همان ۲۵ میلیون تومان نمی‌توان دوباره یک خودرو پرشیا خریداری کرد.

۳۹ گزینه ۱ از آن جایی که حجم تقاضا نسبت به میزان عرضه بیشتر شده است، قیمت‌ها افزایش یافته و باعث کاهش قدرت خرید پول و ایجاد تورم در جامعه می‌شود.

۴۰ گزینه ۲ هرگاه حجم پول در جامعه افزایش یابد، باعث می‌شود که تقاضا از عرضه پیشی گرفته و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابد و با کاهش قدرت خرید پول مواجه شویم که پیامدش تورم است.

۴۱ گزینه ۱ الف) تورم از نظر علم اقتصاد، به شتاب یا نرخ رشد افزایش سطح عمومی قیمت‌ها گفته می‌شود.

ب) یکی از دلایل تورم، فزونی تقاضا بر عرضه است و دلیل دیگر، فزونی حجم پول نسبت به سطح عرضه است.

۴۲ گزینه ۳ با کاهش نرخ تورم، شتاب افزایش قیمت‌ها کاهش می‌یابد نه این که قیمت‌ها کاهش یابند.

۴۳ گزینه ۲ افزایش نرخ تورم در اثر کاهش ارزش پول و قدرت خرید آن می‌باشد.

۴۴ گزینه ۴ کاهش نرخ تورم فقط باعث کند شدن سرعت افزایش قیمت‌ها می‌شود، یعنی قیمت‌ها افزایش می‌یابند، اما با سرعتی آرام‌تر از گذشته. بنابراین تنها گزینه درست گزینه (۴) است.

۴۵ گزینه ۳

سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم - سطح(شاخص) قیمت‌های جدید = نرخ تورم
سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم

$$\Rightarrow \frac{\lambda}{100} = \frac{x - 12,000}{12,000} \Rightarrow \lambda \times 12,000 = 100x - 1,200,000$$

$$\Rightarrow 100x = 96,000 + 1,200,000$$

$$\Rightarrow x = \frac{1,296,000}{100} = 12960 \text{ تومان} \quad \text{۸۲ سال در ابتدای سال ۸۲}$$

۴۶ گزینه ۱

سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم - سطح(شاخص) قیمت‌های جدید = نرخ تورم
سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم

$$\Rightarrow x = \frac{250,000 - 150,000}{150,000} = x = \frac{100,000}{150,000} = \frac{10}{15} = 0,66 = 66\%$$

افزایش حجم پول نسبت به تولید یکی از عوامل مؤثر در افزایش نرخ تورم است.

۴۷ گزینه ۲ ابتدا نرخ تورم سال‌های دوم و سوم را به دست می‌آوریم:

$$\text{نرخ تورم سال دوم} = \frac{54,000 - 45,000}{45,000} \Rightarrow x = \frac{9,000}{45,000}$$

$$\Rightarrow x = 20\% \text{ نرخ تورم سال دوم}$$

$$\text{نرخ تورم سال سوم} = \frac{65,000 - 54,000}{54,000} \Rightarrow x = \frac{11,000}{54,000}$$

$$\Rightarrow x = 20,37\% \approx 21\% \text{ نرخ تورم سال سوم}$$

با بررسی نرخ تورم این دو سال و اینکه در سؤال مطرح شده نرخ تورم در سال چهارم کم‌تر شده در می‌یابیم که نرخ تورم سال چهارم با سرعتی کمتر از ۲۰٪ و ۲۱٪ افزایش یافته، بنابراین سطح عمومی قیمت‌ها (شاخص قیمت‌ها) نسبت به قبل کمتر افزایش یافته است، اما باید توجه کنیم که کاهش نرخ تورم به این معنی نیست که قیمت‌ها به قیمتی کمتر از دو سال قبل رسیده است فقط سرعت افزایش آرام‌تر شده است؛ بنابراین شاخص قیمت‌ها باید از ۶۵۰۰۰ بیش‌تر باشد.

۴۸ گزینه ۲

سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم - سطح(شاخص) قیمت‌های جدید = نرخ تورم
سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم

$$= \frac{16}{100} = \frac{19,720 - x}{x} \Rightarrow 16x = 1,972,000 - 100x$$

$$16x + 100x = 1,972,000 \Rightarrow 116x = 1,972,000$$

$$\Rightarrow x = \frac{1,972,000}{116} = 17,000$$

۴۹ گزینه ۳ ابتدا قیمت جدید هر کیلو گوشت را حساب می‌کنیم:

$$247,500 \div 5 = 49,500$$

$$\frac{10}{100} = \frac{49,500 - x}{x} \Rightarrow 10x = 4,950,000 - 100x$$

$$110x = 4,950,000 \Rightarrow x = 45,000 \text{ تومان}$$

۵۰ گزینه ۴ دقت کنید که قیمت انتهای یک سال به عنوان قیمت‌های جدید، همان قیمت ابتدای سال بعد است که برای سال بعد به عنوان قیمت قدیم

منظور می‌شود. (جمله سنگین بود.) 😊

یعنی قیمت‌های ابتدای یک سال هم به عنوان قیمت جدید برای سال قبل منظور می‌شود و هم به عنوان قیمت قدیم برای سال خودش منظور می‌شود.

سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم - سطح(شاخص) قیمت‌های جدید = نرخ تورم
سطح(شاخص) قیمت‌های قدیم

$$(x \text{ در سال } ۹۳) = \frac{48,000 - 40,000}{40,000} = \frac{8,000}{40,000} = \frac{8}{40} = \frac{1}{5} = 20\%$$

$$(x \text{ در سال } ۹۴) = \frac{55,200 - 48,000}{48,000} = \frac{7,200 + 480}{48,000 + 480} = \frac{15}{100} = 15\%$$

- ۳۰** بررسی اثر سیاست‌های مختلف اقتصادی از طریق امکان پذیر می‌شود.
- (۱) استفاده متناوب از اسناد و مدارک رشد و توسعه جوامع توسعه یافته
- (۲) اندازه‌گیری درآمد ملی جوامع برحسب قیمت‌های ثابت در یک دوره معین
- (۳) اندازه‌گیری رشد و توسعه جوامع با استفاده از معیارهای کمی
- (۴) طبقه‌بندی کشورها براساس فاصله توسعه نیافتگی
- ۳۱** شاخص «درآمد سرانه» به عنوان معیار سنجش «رشد» معیار مناسب‌تری نسبت به «درآمد ملی» است. چرا؟
- (۱) زیرا اثر سیاست‌های مختلف را بر میزان درآمد کل جامعه بررسی می‌کند و نتایج دقیق‌تری را ارائه می‌دهد.
- (۲) زیرا یک شاخص تکمیلی است و از صلاحیت بیشتری برخوردار است.
- (۳) زیرا اثر تغییرات جمعیت جوامع را در طول زمان در نظر می‌گیرد.
- (۴) زیرا اثر تغییرات جمعیت را در طول زمان نادیده می‌گیرد و کارایی و عمومیت بیشتری دارد.
- ۳۲** برای مقایسه سطح «درآمد سرانه» جوامع که معیار مناسبی برای اندازه‌گیری «رشد» و سطح رفاه مردم است، ابتدا درآمد سرانه هر کشور را برحسب آن محاسبه می‌کنند. سپس درآمد سرانه برحسب اعلام می‌شود.
- (۱) ارزش تولیدات نهایی و واسطه‌ای - دلار
- (۲) تولید ناخالص ملی - پول ملی
- (۳) حجم تولیدات - پول داخلی
- (۴) پول داخلی - دلار رفاهی
- ۳۳** در یک کشور فرضی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی منجر به ایجاد مشاغل جدید و جذب نیروی کار بیش‌تر و در نتیجه، افزایش درآمد سرانه شده است. دولت از محل همین درآمدها با برگزاری کارگاه‌های روان‌شناسی خانواده، آسیب‌شناسی محیط تحصیل دانش‌جویان و ایجاد کلاس‌های سوادآموزی، بهبود نسبی در وضعیت کیفی زندگی و سطح رفاه عمومی مردم به وجود آورده است. این توضیحات بیانگر چیست؟
- (۱) در مسیر توسعه یافتگی قرار گرفته است.
- (۲) در مسیر استقلال کامل اقتصادی قرار گرفته است.
- (۳) در مسیر رشد همه‌جانبه قرار گرفته است.
- (۴) در مسیر خودبستگی اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته است.
- ۳۴** در صورتی که درآمد سرانه دو کشور مختلف با هم مشابه و یا برابر باشند، برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه در این دو کشور از استفاده می‌شود.
- (۱) شاخص رشد انسانی به قیمت‌های واقعی در کنار درآمد ملی
- (۲) شاخص توسعه انسانی به جای درآمد سرانه
- (۳) شاخص توسعه انسانی در کنار درآمد سرانه
- (۴) شاخص رشد انسانی به قیمت‌های اسمی به جای درآمد ملی
- ۳۵** فرض کنید دو کشور ارمنستان و ترکیه در سال ۲۰۱۶ از درآمد سرانه یکسانی برخوردار باشند؛ در این صورت،
- (۱) شاخص H.D.I در این دو کشور به طور حتم یکسان است.
- (۲) شاخص H.D.I در این دو کشور به طور حتم متفاوت است.
- (۳) شاخص H.D.I در این دو کشور نمی‌تواند یکسان باشد.
- (۴) شاخص H.D.I در این دو کشور می‌تواند متفاوت باشد.
- ۳۶** چرا درآمد سرانه کشور قطر براساس دلار رفاهی عدد بالایی را نشان می‌دهد؟
- (۱) پایین بودن نسبت دلار رفاهی در مقایسه با دلار آمریکا و برخورداری از سرمایه انسانی زیاد
- (۲) بالا بودن درآمد ملی به دلیل بالا بودن جمعیت شاغل و تولید فراورده‌های نفتی مختلف
- (۳) بالا بودن عدد درآمد ملی این کشور به دلیل صادرات نفت و همچنین کم بودن جمعیت کشور
- (۴) بالا بودن درآمد سرانه این کشور به دلیل ارزش بالای نرخ ارز و دلار در این کشور
- ۳۷** در کشور برای بررسی نرخ «توسعه یافتگی» باید از شاخص H.D.I در کنار درآمد سرانه استفاده کرد.
- (۱) ایران
- (۲) چین
- (۳) سودان
- (۴) سوئد
- ۳۸** یکی از دلایل مهم عدم هماهنگی بین شاخص‌های رشد و توسعه در کشور چین است که باعث پایین آمدن عدد درآمد سرانه می‌شود.
- (۱) جمعیت بسیار زیاد این کشور
- (۲) درآمد ملی بسیار کم این کشور
- (۳) نبود نیروی انسانی در این کشور
- (۴) کم ارزش بودن دلار برابری قدرت خرید در این کشور
- ۳۹** کدام گزینه شاخص‌های توسعه انسانی را در کشور چین به درستی بیان می‌کند؟
- (۱) نرخ مرگ و میر نوزادان ۱۰/۹ در هر هزار تولد - امید به زندگی ۸۲ سال - نرخ باسوادی بزرگسالان دقیقاً ۱۰۰٪
- (۲) نرخ مرگ و میر نوزادان ۱۰/۹ در هر هزار تولد - امید به زندگی ۴۸ سال - نرخ باسوادی بزرگسالان حدوداً ۹۴٪
- (۳) نرخ مرگ و میر نوزادان ۱۰/۹ در هر هزار تولد - امید به زندگی ۷۵ سال - نرخ باسوادی بزرگسالان ۹۵/۱٪
- (۴) نرخ مرگ و میر نوزادان ۱۰/۹ در هر هزار تولد - امید به زندگی ۵۵ سال - نرخ باسوادی بزرگسالان ۵/۱۶٪
- ۴۰** در رابطه با کدام کشور به کارگیری شاخص درآمد سرانه به عنوان ابزار سنجش «توسعه» درست است؟
- (۱) ایران
- (۲) قطر
- (۳) امارات متحده عربی
- (۴) چین
- ۴۱** هماهنگی بین شاخص‌های توسعه و رشد در کدام جوامع قابل مشاهده است؟
- (۱) برخی جوامع توسعه یافته
- (۲) بیشتر جوامع امروزی
- (۳) دو گروه از کشورهای استثناء در حال توسعه
- (۴) همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه



۱	سهم دهک اول	۵ درصد
۲	سهم دهک دوم	۷ درصد
۳	سهم دهک سوم	۸ درصد
۴	سهم دهک چهارم	۹ درصد
۵	سهم دهک نهم	۱۷ درصد
۶	سهم دهک دهم	۲۵ درصد

۷۸ جدول مقابل، گویای وضعیت توزیع درآمد در کشور C، در سال ۱۹۷۹ میلادی است. با توجه به دو فرمول نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین و نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین، کدام شاخص: (الف) توزیع درآمد در این کشور را مناسب‌تر نشان می‌دهد؟ (ب) در مقایسه با شاخص به‌کار گرفته‌شده در قسمت (الف) بیانگر نامناسب‌تر بودن توزیع درآمد در این کشور است؟ (ج) شاخصی که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد، مورد استفاده قرار می‌گیرد، چگونه محاسبه می‌شود؟

- (۱) الف: نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ب: نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ج: با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول
 (۲) الف: نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ب: نسبت ۵۰ درصد پایین به ۵۰ درصد بالا ج: با محاسبه نسبت دهک اول به دهک دهم
 (۳) الف: نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ب: نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ج: با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول
 (۴) الف: نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ب: نسبت ۵۰ درصد بالا به ۵۰ درصد پایین ج: با محاسبه نسبت دهک اول به دهک دهم

۷۹ اگر وضعیت اقتصادی دو کشور سوئد و نروژ از نظر درآمد سرانه مشابه باشد، در این صورت در کدام کشور نرخ فقر کم‌تر است؟

- (۱) در کشوری که شاخص توزیع درآمد عدد بزرگ‌تری را نشان دهد. (۲) در کشوری که فاصله دهک‌های درآمدی از هم کم باشد.
 (۳) در کشوری که شاخص توزیع درآمد در آن، برابر عدد صفر باشد. (۴) در کشوری که فاصله دهک‌های درآمدی از هم زیاد باشد.

۸۰ به منظور سنجش وضعیت توزیع درآمد کشورها از چه معیاری استفاده می‌شود؟

- (۱) شاخص درآمد سرانه (۲) شاخص رفاه اجتماعی (۳) شاخص توزیع نرخ فقر (۴) شاخص دهک‌ها

۸۱ دو شاخص مهم در اندازه‌گیری فقر و وسعت گسترش آن عبارت‌اند از:

- (۱) درآمد سرانه - میزان ناعدالتی در توزیع درآمدها (۲) H.D.I - تولید کل جامعه
 (۳) درآمد ملی - رفاه اجتماعی (۴) G.D.P - توزیع عادلانه درآمدها

۸۲ در رابطه با معیار سنجش وضعیت توزیع درآمد کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) یکی از شاخص‌های بررسی چگونگی توزیع درآمد، شاخص دهک‌هاست.
 (۲) هر طبقه از جدول دهک‌ها ۱۰ درصد از جمعیت کل کشور را شامل می‌شود.
 (۳) دهک بالای درآمدی، آخرین ردیف جدول و دهک پایین درآمدی، اولین ردیف جدول را به خود اختصاص می‌دهند.
 (۴) برای محاسبه این معیار، درآمد ملی کشور به ده قسمت مساوی تقسیم می‌شود.

۸۳ هر طبقه از جدول دهک‌ها نشان‌دهنده است.

- (۱) شاخص دهک‌ها در این کشور (۲) سهم هزینه ده درصد از افراد جامعه
 (۳) سهم هر یک از افراد جامعه در میزان درآمد ملی (۴) تفاوت درآمد و هزینه دهک‌های مختلف جامعه

۸۴ جدول روبه‌رو مبین وضعیت توزیع درآمد در کشور A، در سال ۱۹۷۷ میلادی است.

(ارج ۹۴ - بانفیر)

سهم دهک اول	۶٪
سهم دهک دوم	۷٪
سهم دهک سوم	۸٪
سهم دهک چهارم	۹٪
سهم دهک نهم	۱۶٪
سهم دهک دهم	۲۴٪

(الف) ارائه کدام شاخص مبین «نامناسب‌تر» بودن توزیع درآمد در این کشور است؟ (ب) شاخصی که برای مقایسه «وضعیت توزیع درآمد» مورد استفاده قرار می‌گیرد، چه عددی را نشان می‌دهد؟

- (۱) الف: نسبت دهک دهم به دهک اول: ب: ۴
 (۲) الف: نسبت دهک اول به دهک دهم: ب: $\frac{1}{4}$
 (۳) الف: نسبت ده درصد بالا به چهل درصد پایین: ب: $\frac{A}{10}$
 (۴) الف: نسبت چهل درصد پایین به ده درصد بالا: ب: $\frac{25}{100}$

۵۲. گزینه ۲ پیشرفت امکان تنوع در الگوها و قبل از آن شاخص‌های پیشرفت را پیدا می‌کند.

۵۳. گزینه ۳ زیرا برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از معیارها و شاخص‌های توسعه برای تحمیل الگوهای غربی سوء استفاده می‌کنند به طوری که گاهی توسعه یافتگی معادل غربی شدن تلقی شده است.

۵۴. گزینه ۲ در کشورها به ویژه در دهه چهارم که به نام «دهه عدالت و پیشرفت» موسوم شد و در بحث الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، به جای واژه توسعه، واژه پیشرفت به کار رفت و مورد قبول نخبگان واقع شد.

۵۵. گزینه ۴ بررسی گزینه‌های نادرست:

۱- در شاخص پیشرفت، موقعیت‌های گوناگون همچون وضعیت تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و... و در نهایت، مکانی و زمانی دخیل هستند.

۲- برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از معیارها و شاخص‌های توسعه برای تحمیل الگوهای غربی سوء استفاده می‌کنند.

۳- در مفهوم پیشرفت، الگوی واحدی برای همه کشورها توصیه نمی‌شود و موقعیت‌های گوناگون تاریخی و... در آن دخیل هستند.

۵۶. گزینه ۲ از آنجا که جمعیت کشورها و قیمت کالاها و محصولات در طول زمان ثابت نیست لذا برای جلوگیری از رشد کاذب قیمت‌ها از معیار درآمد سرانه (یا تولید کل به قیمت‌های ثابت) استفاده می‌کنیم.

۵۷. گزینه ۳ الف: اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در هر کشوری عبارتند از:

۱- دستیابی به عدالت، ۲- کاهش انواع نابرابری‌ها، ۳- کاهش فاصله درآمدی، ۴- تأمین حداقل رفاه اجتماعی برای عموم مردم، ۵- کاهش نرخ فقر

ب: شرایط تحقق رفاه اجتماعی: ۱- از بین رفتن فقر، ۲- کاهش نابرابری‌ها

ج: رابطه فقر با «توزیع عادلانه درآمدها در جامعه» یک رابطه معکوس است، پس هر چه در یک جامعه توزیع درآمدها عادلانه‌تر باشد، تعداد افراد فقیر حاضر در جامعه کاهش پیدا می‌کند.

۵۸. گزینه ۳ عوامل تعیین‌کننده سطح فقر:

۱- سطح حداقل درآمد معیشتی افراد ۲- متفاوت بودن نوع نیازها در افراد ۳- متفاوت بودن منابع و امکانات در دسترس. اما عامل «سطح توانایی و مهارت افراد و مهارت‌های شخصی هر فرد» از عوامل تعیین‌کننده سطح فقر نیست.

۵۹. گزینه ۴ رفاه اجتماعی به معنی:

۱- تأمین حداقل نیازهای اساسی عموم جمعیت کشور ۲- تأمین سلامت جسمی و روحی افراد جامعه (تجهیز پایگاه‌های سلامت جسم و روح) ۳- کاهش

نابهنجاری‌های اجتماعی (برگزاری کلاس‌های انگیزشی در جهت ریشه‌یابی و رفع نابهنجاری‌های اجتماعی) ۴- ارتقای سطح توانمندی‌های افراد (تخصیص

منابع مالی جهت آموزش‌های همگانی برای افزایش توانمندی‌ها) ۵- ایجاد مسئولیت‌پذیری در افراد جامعه در برابر یکدیگر ۶- ایجاد حس رضایتمندی و شادکامی در افراد است که تبلیغات و پخش برنامه‌های تلویزیونی به منظور

تغییر در عادت‌های مصرفی و فرهنگ عمومی جامعه در این راستا نیست.

۶۰. گزینه ۱ در ادبیات اقتصادی، زمانی که از خط فقر و مفهوم فقر صحبت می‌شود منظور فقر مطلق است.

۶۱. گزینه ۳ با توجه به تعریف فقر مطلق داریم: فقر مطلق به معنی نداشتن حداقل شرایط زندگی است و فقیر مطلق کسی است که قادر به رفع نیازهای ابتدایی زندگی خود نباشد؛ لذا زمانی که می‌گوییم عموم مردم موزامبیک حتی به حداقل امکانات معیشتی؛ نیز دسترسی ندارند، یعنی «عموم جامعه در فقر مطلق به سر می‌برند».

۶۲. گزینه ۱ بیانگر فقر نسبی و گزینه (۴) نیز بیانگر مسکین است.

۶۳. گزینه ۲ در هر جامعه، افرادی که درآمد آن‌ها از سطح حداقل درآمد معیشتی معین کم‌تر باشد، زیر خط فقر قرار دارند؛ یعنی حتی قادر به رفع نیازهای اساسی و اولیه خود نیستند که به آن‌ها فقیر مطلق می‌گویند.

۶۴. گزینه ۴ فقر نسبی، یعنی سنجیدن کسی نسبت به کسی دیگر یا نسبت به خودش در زمان دیگر؛ هم‌چنین این تعریف در مرزهای جغرافیایی نیز صدق می‌کند و ممکن است کسی که در یک کشور از وضع معیشتی مناسبی برخوردار است، در یک کشور دیگر نسبت به مردمان آن کشور، فقیر محسوب شود.

۶۵. گزینه ۱

۶۶. گزینه ۳ از ویژگی‌های خط فقر یا سطح حداقل معیشت می‌توان، متفاوت بودن از کشوری به کشور دیگر و یا از زمانی به زمان دیگر را عنوان کرد و این تفاوت می‌تواند به دلایلی نظیر:

۱- تفاوت در سطح درآمد افراد، ۲- متفاوت بودن نوع نیازها در افراد و ۳- متفاوت بودن منابع و امکانات در دسترس و... باشد.

۶۷. گزینه ۲ با توجه به تعریف رفاه اجتماعی، افزایش سطح پس‌اندازها و جذب سرمایه‌های خارجی، لزوماً از عوامل تحقق بخشیدن به رفاه اجتماعی نیست.

۶۸. گزینه ۱ شاخص‌های اندازه‌گیری وسعت و اندازه فقر:

۱- درآمد سرانه: در مقایسه دو کشور، هرچه درآمد سرانه یک کشور نسبت به کشور دیگر کم‌تر باشد، طبیعتاً آن کشور فقیر بیشتری دارد، یعنی درآمد سرانه با

وسعت فقر رابطه معکوس دارد.

۲- میزان نابرابری در توزیع درآمد: در هر سطحی از درآمد سرانه، کشوری که وضعیت توزیع درآمد در آن ناعادلانه‌تر باشد، نسبت به کشور دیگر از تعداد

فقیر بیشتری برخوردار است. لذا وسعت فقر با توزیع ناعادلانه درآمد رابطه مستقیم دارد.

۶۹. گزینه ۳

۷۰. گزینه ۳ یکی از عوامل تحقق بخشیدن به رفاه اجتماعی، ایجاد حس رضایتمندی و شادکامی در افراد است.

۷۱. گزینه ۱ از آن‌جا که این فرد در کشور خود (B) از وضعیت معیشتی مناسبی برخوردار است و این کشور اصطلاحاً بالای خط فقر قرار دارد، ولی در

کشور (A) با توجه به درآمدش، زیر خط فقر قرار می‌گیرد؛ بنابراین این فرد در کشور (A) فقیر نسبی محسوب می‌شود.

۷۵ مجلس نمایندگان به منظور ساخت بیمارستان و مراکز بهداشتی با تخصیص ۷ درصد از بودجه کل کشور به این نوع پروژه‌ها موافقت کرد. درحالی‌که بسیاری از مسئولین مربوطه با این میزان بودجه مخالف بودند. این مطلب به کدام یک از کارکردها یا دلایل اهمیت بودجه اشاره می‌کند؟

- (۱) الزام مجلس به کسب مجوز قانونی برای انجام اهداف پراهمیت اقتصادی خود از سهم بودجه
- (۲) تعیین اهمیت و اولویت این هدف دولت در مقایسه با سایر اهداف از نظر سهم بودجه
- (۳) بیان میزان قدرت تصمیم‌گیری و سهم دخالت مجلس در مدیریت کلان تمام بخش‌های کشور که منجر به محدود شدن دولت به عنوان قوه مقننه می‌شود.
- (۴) کنترل عملکرد نمایندگان مجلس در اجرا و سهمیه‌بندی بودجه تا هیچ هزینه‌ای از محل اعتبارات تعیین شده توسط دولت تجاوز نکند.

(راغل ۸۵)

۷۶ ماده واحد و تبصره‌ها در بودجه دولت به ترتیب مبین چیست؟

- (۱) مربوط به کسب درآمد و هزینه‌های یک سال - مشخص‌کننده رقم کل درآمدها و هزینه‌های پیش‌بینی شده
- (۲) بیانگر اعتبارات هر یک از سازمان‌های دولتی در محدوده بودجه - چگونگی هزینه کردن آن‌ها
- (۳) مشخص‌کننده چگونگی کسب درآمد و صرف هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه - مبین رقم کل درآمدها و هزینه‌های یک سال مربوط به بودجه مصوب
- (۴) مشخص‌کننده رقم کل درآمدها و هزینه‌های یک سال - دربردارنده ضوابط و مقررات خاص مربوط به چگونگی کسب درآمد و صرف هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه

(راغل ۸۴)

۷۷ در جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۵۲ قانون اساسی بودجه کل کشور چگونه شکل می‌گیرد؟

- (۱) توسط دولت تهیه می‌شود و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد.
- (۲) توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و برای اظهار نظر نهایی به سازمان بودجه ارائه می‌شود.
- (۳) توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه می‌شود و برای رسیدگی و تصویب به کمیسیون بودجه مجلس تسلیم می‌گردد.
- (۴) توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تدوین و برای رسیدگی و تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

(راغل ۷۹)

۷۸ به‌کاربردن اصطلاح لایحه بودجه بعد از تصویب آن در کدام نهاد صحیح است؟

- (۱) هیئت دولت
- (۲) مجلس شورای اسلامی
- (۳) سازمان برنامه و بودجه
- (۴) شورای نگهبان

(راغل ۷۶)

۷۹ در کشور ما مسئول تهیه و پیشنهاد بودجه به مجلس نمایندگان کدام است؟

- (۱) قوه مجریه
- (۲) قوه مقننه
- (۳) قوه قضائیه
- (۴) دیوان عالی کشور

۸۰ متن پیشنهادی بودجه توسط تدوین و پس از تصویب هیئت دولت به مجلس تقدیم می‌شود که نامیده می‌شود.

- (۱) دیوان محاسبات - قانون بودجه
- (۲) رئیس قوه مجریه - سند بودجه
- (۳) مجلس - پیش‌نویس
- (۴) سازمان مسئول امور بودجه - لایحه بودجه

۸۱ قانون بودجه در تمامی لازم‌الاجرا است.

- (۱) ارگان‌های دولتی و خصوصی
- (۲) نهادهای مردمی
- (۳) ارگان‌های خصوصی
- (۴) دستگاه‌های دولتی

۸۲ وظیفه نظارت بر اجرای بودجه به عهده کدام نهاد است و اعضای آن توسط چه نهادی و منطبق بر چه اصل یا اصولی از قانون اساسی انتخاب می‌شوند؟

- (۱) خزانه - مجلس نمایندگان - اصل پنجاه و پنجم
- (۲) خزانه - دیوان محاسبات - اصل پنجاه و چهارم
- (۳) دیوان محاسبات - دولت - اصول پنجاه و دوم و پنجاه و چهارم
- (۴) دیوان محاسبات - مجلس نمایندگان - اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم

۸۳ عبارت زیر مبین کدام یک از مفاهیم است؟

«یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های مالی که در اجرای بودجه نقش اساسی به عهده دارد.»

- (۱) قوه مجریه
- (۲) قوه مقننه
- (۳) دیوان محاسبات مجلس
- (۴) خزانه

۸۴ نقش هر یک از نهادهای زیر در رابطه با مراحل چهارگانه بودجه کشور کدام است؟

«مجلس شورای اسلامی، خزانه، قوه مجریه و دیوان محاسبات»

(۱) خزانه: اجرای بودجه / مجلس شورای اسلامی: نظارت بر اجرای بودجه / قوه مجریه: تصویب لایحه بودجه / دیوان محاسبات: دریافت وجوه عمومی و پرداخت وجوه لازم برای پرداخت حواله‌ها

(۲) مجلس شورای اسلامی: تصویب بودجه / قوه مجریه: تهیه و تنظیم بودجه / خزانه: اجرای بودجه / دیوان محاسبات: نظارت بر اجرای بودجه

(۳) دیوان محاسبات: نظارت بر اجرای بودجه / قوه مجریه: تدوین متن پیشنهادی بودجه / خزانه: بررسی درآمدها و هزینه‌های بودجه / مجلس شورای اسلامی: تهیه سند تفریح بودجه و تحویل به دولت

(۴) قوه مجریه: اجرای بودجه / دیوان محاسبات: ارزیابی اعتبارات سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی / مجلس شورای اسلامی: تصویب لایحه بودجه / خزانه: نظارت بر اجرای بودجه

سؤال مالیات پرداختی توسط دو نفر را که اولی ماهانه ۱,۵۰۰,۰۰۰ تومان درآمد و دومی که ماهانه ۱۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان درآمد دارد با نرخ ثابت ۲۰٪ محاسبه کنید. (در این مسئله معافیت مالیاتی نداریم.)

پاسخ

تومان $300,000 = 1,500,000 \times \frac{20}{100}$ = مالیات ماهانه فرد اول

تومان $1,200,000 = 1,500,000 - 300,000$ = مانده خالص ماهانه فرد اول

تومان $2,200,000 = 11,000,000 \times \frac{20}{100}$ = مالیات ماهانه فرد دوم

تومان $8,800,000 = 11,000,000 - 2,200,000$ = مانده خالص ماهانه فرد دوم

نکته هدف از اخذ مالیات، ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی، یعنی کم کردن فاصله طبقاتی است، اما در این نرخ مشاهده می‌کنید که بعد از اخذ مالیات، تفاوتی در وضع زندگی افراد ایجاد نشده و همچنان فاصله طبقاتی زیادی وجود دارد، یعنی نرخ ثابت نمی‌تواند فاصله دهک‌های درآمدی جامعه را کم کند.

در نرخ ثابت مالیاتی ممکن است که معافیت مالیاتی داشته باشیم، یعنی دولت مالیات بخشی از درآمد یا دارایی افراد را به آن‌ها می‌بخشد.

فرمول‌های مورد استفاده در نرخ ثابت مالیاتی

منظور از درآمد مشمول مالیات، درآمدی است که بخشی از آن از پرداخت مالیات معاف شده است.

۱ معافیت مالیاتی - کل درآمد ماهانه = درآمد مشمول مالیات ماهانه

۲ نرخ ثابت مالیاتی × درآمد مشمول مالیات = مالیات ماهانه

منظور از مانده خالص درآمد، درآمدی است که میزان مالیات از روی آن کم شده است.

۳ مالیات ماهانه - کل درآمد ماهانه = مانده خالص ماهانه

بدیهی است اگر مالیات یا مانده خالص را به صورت سالانه از ما بخواهد، باید عدد به دست آمده را در ۱۲ ماه ضرب کنیم.

نرخ تصاعدی: در این نوع مالیات، **نرخ مالیات** با افزایش درآمد یا دارایی فرد، زیاد می‌شود و برعکس با کاهش درآمد یا دارایی فرد، کم می‌شود.

یعنی، افرادی که درآمد بیش‌تری دارند، با نرخ بیش‌تری مالیات می‌پردازند و افرادی که درآمد پایین‌تری دارند، با نرخ کم‌تری مالیات می‌پردازند.

نرخ تصاعدی در تعدیل درآمد و ثروت افراد جامعه مؤثر است، البته نوع تصاعدی طبقه‌ای آن در این زمینه بهتر عمل می‌کند.

۱- تصاعدی کلی

نرخ تصاعدی به دو گروه تقسیم می‌شود:

۲- تصاعدی طبقه‌ای

نرخ تصاعدی کلی: در این نوع مالیات، تمام درآمد شخص با نرخ مربوط به طبقه مربوط به خودش محاسبه می‌شود.

نرخ تصاعدی طبقه‌ای: در این نوع مالیات، تمام درآمد شخص مشمول نرخ جدید یا همان نرخی که مربوط به طبقه درآمدی فرد است، می‌شود.

اگر در جدول نرخ‌ها با طبقه معافیت مالیاتی مواجه شدیم یعنی فقط افرادی که درآمد آنها در این محدوده قرار دارد مشمول معافیت می‌شوند، اما اگر حتی ۱۰۰۰ تومان درآمد آن‌ها از این مرز تجاوز کند، باید بابت کل درآمدشان مالیات بپردازند.

در این نرخ، با اندکی تغییر (کاهش یا افزایش) در درآمد یا دارایی افراد، میزان مالیات او به شدت تغییر می‌کند.

سؤال فردی ماهانه ۲,۱۰۰,۰۰۰ تومان درآمد دارد.

الف) براساس جدول روبه‌رو مالیات ماهانه این فرد را محاسبه کنید.

ب) اگر درآمد او ۱۰۰,۰۰۰ تومان افزایش یابد، میزان مالیات جدید او را به دست آورید.

A	درآمدهای تا ۷۵۰,۰۰۰ تومان	معاف از مالیات
B	درآمدهای تا ۱,۲۰۰,۰۰۰ تومان	با نرخ ۱۰٪
C	درآمدهای تا ۲,۱۰۰,۰۰۰ تومان	با نرخ ۲۰٪
D	درآمدهای بالاتر از ۲,۱۰۰,۰۰۰ تومان	با نرخ ۳۰٪

توجه همان‌طور که قبلاً گفته شد در این نرخ، معافیت مالیاتی نداریم، یعنی فقط کسانی از پرداخت مالیات معاف هستند که درآمد آنها کم‌تر یا مساوی ۷۵۰,۰۰۰ تومان باشد. بقیه افراد تمام درآمدشان مشمول مالیات می‌شود، یعنی اگر فردی ۷۵۱,۰۰۰ تومان درآمدش باشد، تمام درآمدش مشمول مالیات می‌شود.

پاسخ ابتدا جایگاه درآمد شخص را معین می‌کنیم که در این مسئله، طبقه C است، سپس کل درآمد او در نرخ مربوط به این طبقه ضرب می‌شود.

نرخ تصاعدی کلی × کل درآمد ماهانه = مالیات ماهانه (الف)

تومان $420,000 = 2,100,000 \times \frac{20}{100}$ = مالیات ماهانه

درآمد جدید (ب) $2,200,000 = 2,100,000 + 100,000$ = درآمد قبلی

بعد از افزایش درآمد، جایگاه درآمد شخص به طبقه D منتقل شده و با نرخ ۳۰٪ محاسبه می‌شود.

نرخ تصاعدی کلی جدید × کل درآمد جدید = مالیات ماهانه جدید

تومان $660,000 = 2,200,000 \times \frac{30}{100}$ = مالیات ماهانه جدید



تومان $4,200,000 \times \frac{3}{100} = 126,000,000$
 مالیات ماهانه = $180,000 + 337,500 + 198,000 + 1,133,000 + 4,200,000$
 تومان = $6,048,500$ مالیات ماهانه
 الف) تومان = $72,582,000$ (ماه) = $6,048,500 \times 12$ مالیات سالانه
 ب) تومان = $22,951,500 = 6,048,500 - 29,000,000$ مانده خالص ماهانه
 ج) تصاعدی طبقه‌ای
 د) با جزئی افزایش یا کاهش درآمد، مالیات به شدت تغییر نمی‌کند.

۱۶۶ گزینه ۲
 A → معاف
 B: $3,000,000 - 1,200,000 = 1,800,000$
 تومان = $1,800,000 \times \frac{8}{100} = 144,000$
 C: $4,500,000 - 3,000,000 = 1,500,000$
 تومان = $1,500,000 \times \frac{13}{100} = 195,000$
 D: $6,300,000 - 4,500,000 = 1,800,000$
 تومان = $1,800,000 \times \frac{20}{100} = 360,000$
 E: $8,100,000 - 6,300,000 = 1,800,000$
 تومان = $1,800,000 \times \frac{25}{100} = 450,000$
 الف) مجموع خرده مالیات‌ها = مالیات ماهانه = $1,149,000$
 تومان = $1,149,000 + 195,000 + 360,000 + 450,000$ مالیات ماهانه
 ب) تومان = $6,951,000 = 1,149,000 - 8,100,000$ مانده خالص ماهانه
 ج) در این نرخ با اندکی افزایش یا کاهش در درآمد یا دارایی فرد میزان مالیات او به شدت تغییر نمی‌کند.

۱۶۷ گزینه ۴
 ۱۶۸ گزینه ۳
 ۱۶۹ گزینه ۳ خمس اسلامی با نرخ ثابت ۲۰ درصد محاسبه می‌شود.
 ۱۷۰ گزینه ۱ زکات اسلامی با نرخ تصاعدی محاسبه می‌شود.
 ۱۷۱ گزینه ۴ زکات براساس نرخ تصاعدی کلی محاسبه می‌شود، یعنی کل درآمد فرد مشمول نرخ طبقه خود می‌شود.

الف) نرخ تصاعدی طبقه مربوطه \times کل دارایی فرد = زکات
 میلیون تومان = $500 \times \frac{25}{100} = 125$ زکات
 ب) خمس همان طور که از معنی کلمه مشخص است یعنی $\frac{1}{5}$ و برابر $\frac{20}{100}$ است، یعنی نرخ خمس ثابت و برابر ۲۰ درصد است.
 نرخ ثابت \times کل دارایی فرد = خمس
 میلیون تومان = $500 \times \frac{20}{100} = 100$ خمس
 آوردن نرخ تصاعدی طبقه‌ای بی دلیل و برای آزمایش سطح دقت دانش آموز است.

۱۷۲ گزینه ۲
 ۱۷۳ گزینه ۱ نرخ ثابت مالیاتی تغییری در وضع نسبی افراد در قبل و بعد از مالیات ایجاد نمی‌کند.

د) ویژگی نرخ تصاعدی طبقه‌ای: در این نوع نظام مالیاتی، با جزئی افزایش یا کاهش درآمد مالیات به شدت تغییر نمی‌کند.
 ۱۶۳ گزینه ۱ جایگاه درآمد فرد طبقه آخر است.

معاف → طبقه اول
 میلیون تومان = $1 \times \frac{10}{100} = 10$ $\Rightarrow 25 - 15 = 10$ طبقه دوم
 میلیون تومان = $1/5$ $\Rightarrow 10 \times \frac{15}{100} = 10$ طبقه سوم
 میلیون تومان = $5/4$ $\Rightarrow 30 \times \frac{18}{100} = 30$ $\Rightarrow 65 - 35 = 30$ طبقه چهارم
 میلیون تومان = $4/8$ $\Rightarrow 20 \times \frac{24}{100} = 20$ $\Rightarrow 85 - 65 = 20$ طبقه پنجم
 الف) $12,700,000 = 12,700,000$ میلیون تومان = $1 + 1/5 + 5/4 + 4/8 = 12/7$ مالیات ماهانه
 ب) مالیات ماهانه - کل درآمد ماهانه = خالص ماهانه
 $= 85 - 12/7 = 72/3 = 72,300,000$ میلیون تومان
 ج) تصاعدی طبقه‌ای
 د) اگر $\frac{1}{3}$ مانده خالص را سرمایه‌گذاری کند، $\frac{2}{3}$ آن برای خودش باقی می‌ماند که برابر است با:

میلیون تومان = $48,200,000 = \frac{2}{3} \times 72,300,000$
 ۱۶۴ گزینه ۲ دقت کنید که ما برای سهولت حل مسئله از همه اعداد ۶ تا صفر برداشته‌ایم.

معاف → طبقه اول
 میلیون تومان = $1/2$ $\Rightarrow 10 \times \frac{12}{100} = 10$ $\Rightarrow 20 - 10 = 10$ طبقه دوم
 میلیون تومان = $2/25$ $\Rightarrow 15 \times \frac{15}{100} = 15$ $\Rightarrow 35 - 20 = 15$ طبقه سوم
 میلیون تومان = 2 $\Rightarrow 10 \times \frac{20}{100} = 10$ $\Rightarrow 45 - 35 = 10$ طبقه چهارم
 میلیون تومان = $7/5$ $\Rightarrow 30 \times \frac{25}{100} = 30$ $\Rightarrow 75 - 45 = 30$ طبقه پنجم
 الف) میلیون تومان = $12/95 = 12 + 2/25 + 2 + 7/5 = 12 + 2/25 + 2 + 7/5$ مالیات ماهانه
 ب) میلیون تومان = $62/05 = 75 - 12/95$ مانده خالص ماهانه
 ج) تصاعدی طبقه‌ای
 د) $\frac{4}{5}$ از درآمد خالص او برای سایر هزینه‌هایش باقی می‌ماند.

میلیون تومان = $49/64 = \frac{4}{5} \times 62/05$
 ۱۶۵ گزینه ۳
 معاف → طبقه اول
 $6,500,000 - 5,000,000 = 1,500,000$ طبقه دوم
 تومان = $1,500,000 \times \frac{12}{100} = 180,000$
 $8,750,000 - 6,500,000 = 2,250,000$ طبقه سوم
 تومان = $2,250,000 \times \frac{15}{100} = 337,500$
 $9,850,000 - 8,750,000 = 1,100,000$ طبقه چهارم
 تومان = $1,100,000 \times \frac{18}{100} = 198,000$
 $5,150,000 - 9,850,000 = 5,150,000$ طبقه پنجم
 تومان = $5,150,000 \times \frac{22}{100} = 1,133,000$
 $29,000,000 - 15,000,000 = 14,000,000$ طبقه آخر
 درآمد شخص

۹۸ وضعیت ایران در زمان عبور اروپا از مراحل اولیه انقلاب صنعتی و توسعه و پیشرفت چگونه بود؟

- (۱) قرار گرفتن در مسیر نامناسب به دلیل وضعیت خاص اجتماعی - سیاسی و بازماندن از توسعه و تحول برای مدت‌های طولانی
- (۲) قرار گرفتن در مسیر نامناسب به دلیل وضعیت خاص فرهنگی - نظامی و عدم امکان ادامه فرایند توسعه به دلیل جنگ‌های پی‌درپی نظامی
- (۳) قرار داشتن در مسیر مناسب به دلیل بهره‌مندی از منابع و ثروت‌های خدادادی، طی‌کردن مسیر رشد و توسعه را برای ایران آسان کرده بود.
- (۴) قرار داشتن در مسیر مناسب به علت وضعیت خاص جغرافیایی و سیاسی برخلاف عواملی که مانع ادامه مسیر توسعه‌یافتگی ایران شده بود.

۹۹ همه موارد از دلایل تشدید بیماری اقتصادی ایران در دوران پهلوی می‌باشد، به جز.....

- (۱) نوسازی سازمان و تشکیلات دولتی و توسعه سطحی و ظاهری با استفاده از صنایع ممتاز و تبدیل کشور به بازار مصرفی کالاهای وارداتی
- (۲) انعقاد عهدنامه‌های ننگین، واگذاری بخش‌هایی از کشور به دشمنان و بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و نبود برنامه‌ریزی و قانونگذاری اقتصادی
- (۳) اتکای اقتصاد به بیرون از مرزها و قدرت‌های بزرگ به جای تکیه بر پایه‌های بومی و درونزای داخلی و ملی خود
- (۴) اجرای برنامه موسوم به انقلاب سفید و وارد کردن لطمه جبران‌ناپذیری به بدنه اقتصاد روستایی ایران

۱۰۰ در کدام گزینه اوضاع اقتصادی ایران در نیمه اول حکومت صفویه به درستی بیان شده است؟

- (۱) استعمار و استثمار کشورهای ضعیف و دستیابی به ثروت‌های آن‌ها از طریق تجهیز ناوگان نظامی و رقابت نظامی و تجاری با خارج صورت گرفت.
- (۲) اقتصادی یکپارچه و مستقل در کنار یکپارچگی سیاسی که با سایر لایه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی نیز در هماهنگی قرار داشت.
- (۳) درک درست حاکمان از وضعیت ویژه و موقعیت خاص ایران و ایفای نقش کشور در مقابل سایر کشورهای کم‌توان، ایران را تنها حکمران اقتصادی جهان کرده بود.
- (۴) دور ماندن از کانون تحولات جهان و تضعیف قوای اقتصادی ایران به دلیل حمله افغان‌ها و کشورگشایی‌های نادر و دست‌درازی به اقتصاد ثروتمند هند.

۱۰۱ بررسی تفکرات اقتصادی ابن‌سینا در مواردی همچون مصرف شخصی در حد ضرورت، پرداخت مالیات خمس و زکات و پس‌انداز به کدام یک از

جلوه‌های اقتصاد موفق ایران و در کدام دوره می‌پردازد؟

- (۱) پیشرفت اندیشه اقتصادی - هفت قرن دوران شکوفایی تمدن اسلام
- (۲) پیدایش اندیشه اسلامی - هفت قرن دوران شکل‌گیری تمدن جهان
- (۳) پیشرفت اندیشه اقتصادی - هفده قرن دوران شکل‌گیری تمدن جهان
- (۴) پیدایش اندیشه اسلامی - هفده قرن دوران شکوفایی تمدن اسلام

۱۰۲ همه موارد درباره اقتصاد ایران در سال‌های پیش از ۱۳۰۰ هجری شمسی درست هستند، به جز.....

- (۱) عادلانه بودن اقتصاد، دلیل شکوفایی اقتصادی ایران در دوران تمدن اسلامی است.
- (۲) به دلایل مختلف و متعدد اقتصاد ایران از دوران باستان دارای جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهان است.
- (۳) دلایل تضعیف اقتصاد ایران و دور ماندن از کانون تحولات در دوره پایانی صفویه، حمله افغان و کشورگشایی نادر و دست‌اندازی به منابع هند بود.
- (۴) حتی محدود حرکت‌های مذهبی و ملی دوران قاجار مانند تأسیس دارالفنون و ایجاد نظم مالی هم نتیجه مطلوب برای اقتصاد ایران را به دنبال نداشت.

۱۰۳ گزینه درست در رابطه با وضعیت اقتصادی کشور در دوران رضاخان و سلسله پهلوی کدام است؟

- (۱) کوچک‌سازی نقش اقتصادی دولت - نبود برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری مناسب اقتصادی - اعطای انواع امتیازها به شرکت‌های خارجی و کشورهای استعماری - بی‌توجهی به سرمایه‌ها
- (۲) اعطای امتیازات به وابستگان و خادمان خود - تأمین هزینه‌های گزاف دربار و افزودن بر خزانه از طریق افزایش مالیات - واگذاری بخش‌های زیادی از خاک ایران - افزایش نقش مردم در اقتصاد
- (۳) بهبود برخی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی - توسعه سطحی و نمایشی - نوسازی سازمان و تشکیلات دولتی - برقراری نظام مالیات‌گیری جدید
- (۴) تجهیز ناوگان نظامی برای رقابت تجاری با سایر قدرت‌های جهان - استعمار کشورهای دارای منابع و امکانات - تسریع جریان پیشرفت کشور به دلیل رقابت تجاری - نوسازی نظام مالیات‌گیری

۱۰۴ یکی از جلوه‌های پیشرفت اندیشه اقتصادی در دوران شکوفایی تمدن اسلامی عبارت است از:

- (۱) شکوفایی اقتصادی ایران در آن دوران که قطعاً به معنای عادلانه بودن آن می‌باشد.
- (۲) کشورگشایی‌های نادر و دست‌اندازی به اقتصاد هند که موجب تقویت قوای اقتصادی و برقراری نظام پیشرفته اقتصادی در ایران شد.
- (۳) یکپارچگی اقتصادی و هماهنگی آن با سایر لایه‌های دینی و اجتماعی در سراسر جهان که محصول اندیشه اقتصادی ایران و ارائه آن به اقتصادهای برتر بود.
- (۴) وقف‌نامه‌های باقی‌مانده که بیانگر حجم عظیمی از مالکیت و سرمایه‌گذاری و مشارکت زنان ایرانی در تولید است.